



اساس سوسیالیسم انسان است،
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۱۱

برای

یک دنیای بهتر

نشریه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity faction of WPI

سردبیر: سیاوش دانشور E.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۱۴ مارس ۲۰۰۷ - ۲۳ اسفند ۱۳۸۵



سرکوب وحشیانه اجتماع امروز معلمان

دستگیریهای گسترده در تهران

صفحه ۹

بیانیه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

در باره بحران خاورمیانه

۱- خاورمیانه از دوران جنگ سرد یکی از کانونهای بحران بوده است. موضوعاتی مانند مسئله فلسطین، مسئله لبنان و سوریه، و بعد از پایان جنگ سرد دو بار حمله نظامی به عراق، و امروز موضوع جدال با اسلام سیاسی که ابعادی فراتر از منطقه خاورمیانه دارد، و در تداوم آن کشمکش با جمهوری اسلامی از دریچه پرونده هسته ای، سوالاتی هستند که در خاورمیانه سایه شوم جنگ و کشتار و آوارگی و ویرانی را بالای سر مردم این منطقه و جهان قرار داده اند. آکتورهای درگیر در این بحران، مستقل از هر سوال و صورت مسئله سیاسی، قدرتهای بزرگ جهانی و دولتهای منطقه و نیروهای ارتجاعی اند که هر کدام تلاش دارند در دنیای بعد از جنگ سرد مهر منافع سیاسی و اقتصادی خود را بر سیمای سیاسی و اجتماعی آتی خاورمیانه بکوبند.

در چهارشنبه سوری خشت خشت حکومت اسلامی را بلرزانید!

جوانان، مردم!

علیه حکومت عزا بپاخیزید! شادی کنید، برقصید و به استقبال سال نو بروید! در مراسمی چهارشنبه سوری دیوارهای آپارتاید اسلامی را ویران کنید! حجاب پرچم و لوگوی آپارتاید جنسی و جنبش اسلام سیاسی است. این پرچم را به آتش بکشید! حجاب سوزان راه بباندازید! فریاد بزنید مردم ایران جنگ نمیخواهند! تحریم اقتصادی نمیخواهند! بمب اتمی نمیخواهند! فقر و محرومیت نمیخواهند!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی برای همگان!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

۲- کشمکش آمریکا ودولتهای غربی و دولتهای منطقه با رژیم اسلامی برسر پرونده هسته ای، نه جدالی برسر "صلح و امنیت جهانی"، نه تلاشی برای "کنترل تولید سلاح هسته ای"، نه سیاستی برای پاسخ به مسائل منطقه، بلکه تلاشی برای تحمیل توازن قوای جدیدی به اسلام سیاسی در منطقه و به این اعتبار در سطح جهانی است. جمهوری اسلامی نیز که بدنبال حمله آمریکا به افغانستان و بویژه عراق دامنه نفوذ و قدرتش را گسترش داده است، دستیابی به سلاح هسته ای را بعنوان یک سلاح استراتژیک بقا حکومت، و فراتر از آن تبدیل شدن به یک قدرت منطقه ای نگاه میکنند و از نفوذ خود در لبنان و فلسطین و عراق و ابزار تروریسم برای رسیدن به این توازن قوا تلاش میکند. این جدالی مابین دو اردوی تروریسم بین المللی است که بر متن رقابتهای تجدید تعریف حوزه نفوذ بخشهای مختلف بورژوازی در سطح بین المللی و منطقه خاورمیانه جریان دارد.

۳- آمریکا با سیاست عملیات پیشگیرانه و قدری میلیتاریستی و تروریسم دولتی، تلاش دارد موقعیت رو به افول خود در جهان را تثبیت کند، در

صفحه ۶

8 مارس

آغاز فصلی نوین در حیات جنبش آزادی زن!

آذر ماجدی



8 مارس 85فصلی نوین را در جنبش آزادی زن آغاز کرد. جنبش آزادی زن توانست متحدتر و سازمانیافته تر از پیش عرض اندام کند. توانست مرز خود را با گرایشهای دیگر روشن تر و بهتر ترسیم کند. به این اعتبار جنبش آزادی زن یک پیشروی مهم را به نام خود تثبیت کرد. این جای خوشحالی است، اما هنوز راه درازی در پیش است.

صفحه ۱۰



گفتگو با

علی جوادی

در باره؛

بیانیه حقوق مهاجرین

صفحه ۸

گفتگو با نسرین رمضانعلی در باره

کانونهای همبستگی با جنبش کارگری

صفحه ۲

در صفحات دیگر: اجتماعات و تظاهرات کارگران نساجی سندج، اعتصاب معلمان، اعتصاب دانش آموزان خوزستان، پیوستن به فراکسیون، نامه ها، یادداشت هفته، ... و ستون آخر.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کانوهای همبستگی با جنبش کارگری

گفتگو با نسرين رضاعلی



یک دنیای بهتر: فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری اخیراً قطعنامه ای مبنی بر ایجاد کانوهای همبستگی با جنبش کارگری صادر کرده است. از نقطه نظر شما این قرار به کدام ضرورت در گسترش جنبش کارگری پاسخ میدهد؟ اهمیت آن چیست؟

نسرين رضاعلی: فکر می‌کنم باید خیلی پیش تر بحث کانوهای همبستگی با جنبش کارگری را بعنوان یک مکانیزم تقویت اعتراضات کارگری طرح می‌کردیم. بخصوص در دو سال اخیر و موجی از اعتراضات کارگری که در کل جامعه جاری بود، و هم اکنون نیز وارد فاز جدیدی شده است، وجود این کانوهای همبستگی و ایجاد آن را بیش از پیش ضروری می‌کند. ما شاهد اعتراضات گسترده کارگری در جامعه هستیم و اگر بخواهیم نمونه هائی را نام ببریم می‌توان با اعتصابات برجسته ای مانند شرکت واحد تهران، کارخانه های نساجی در سراسر ایران بخصوص سندج و قزوین و کاشان، و یا کارگران معدن سنگرود، کشتی سازی ایران صدرا، ایران دیزل، و کشت و صنعت کارون و غیره را اشاره کرد.

این اعتراضات کما بیش مورد حمایت سایر بخشها قرار می‌گرفتند. اما مهم است بدانیم وجود این کانوهای می‌تواند در ارتقا موقعیت جنبش کارگری موثر باشد. نقطه اتکائی در مبارزه برای رسیدن به خواستها و مطالبات در بخش کارگری و همینطور گسترش این مبارزات در جامعه باشد. این کانوهای در عین حال مراکزی و حلقه واسطی برای دفاع از جنبش کارگری و همینطور دفاع کارگران از مطالبات آزادیخواهانه دیگر جنبشهای اجتماعی است. مثلاً یکی از موانع اصلی که امروز ما در جامعه شاهدش هستیم سانسور شدید خبری است. علیرغم اینکه رشد تکنیک ارتباطی حیرت آور است در ایران هنوز ابعاد استفاده از این تکنیک محدود است. این کانوهای همبستگی می‌توانند آن حلقه اتصال جنبش کارگری با سایر جنبشها و یا مبارزات بخشهای مردم در جامعه باشد. این کانوهای می‌توانند شبکه گسترده ای ایجاد کنند و با هر تحرک کارگری در ایران وسیعاً این اخبار پخش شود و وسیعاً مورد حمایت

با هم طبقه های خودشان در سایر دنیا را برایشان منع می‌کنند! اما پاسخ همین کارگران به سران رژیم این است؛ حق و حقوق ما را بدهید تا اعتراض نکنیم، تا مصاحبه نکنیم، تا با سازمانهای جهانی تماس نگیریم، ما هم همسروشت هستیم! این پاسخی بوده که سران رژیم در سالهای گذشته از فعالین جنبش کارگری گرفته اند. همینطور امروز برخلاف سابق کارگران دیگر سراغ ارگانهای دولتی برای کسب مجوز تجمع نمی‌روند، حق خودشان می‌دانند که تجمع کنند و اعتراضات و مطالبات خود را رسماً و در خیابان اعلام کنند. و یا بحث از تماس با سازمانهای جهانی گذشته است. امروز کارگران عضو نهادهای جهانی میشوند. برای مثال سندیکای شرکت واحد عضو اتحادیه کارگران حمل و نقل و یا عضو کنفدراسیون اتحادیه های آزاد می‌شود. این یکی از نمونه های برجسته است. جنبش دانشجویی را نگاه کنید! در حالی که تا دیروز بخشا دانشجویان از دریچه تحکیم وحدت و انجمن اسلامی تلاش داشتند حرفشان را بزنند، امروز ۱۶ آذری داریم که پرچم "یا سوسیالیسم یا بربریت" را بلند می‌کنند! یعنی کيفر خواست طبقاتی علیه جمهوری اسلامی و کل نظام سرمایه داری. همین دانشجویان در مقابل احمدی نژاد عکس اش را می‌سوزانند. در جنبش آزادی زن نیز وضع همینطور است. این جنبش روز به روز رادیکالتر و مدعی تر به میدان می‌آید. دیگر دستگیری و احضار و حتی زد خورد خیابانی مرعوبش نمیکند. بلکه هر بار رادیکالتر پرچمش را بلند می‌کند. جنبش دفاع از حقوق کودک، مسئله مبارزه حمایت از زنان تن فروش، مبارزه و حمایت از کارتن خوابها، و دهها جبهه ای که خود مردم باز کردند، همه اینها رژیم را به مصاف می‌طلبند. این نمونه ها را وقتی بررسی می‌کنید میبینید که توازن قوا به ضرر رژیم چرخیده و مردم در موضع تعرض اند. امروز با جرات می‌توانم بگویم صدها تشکل در سراسر ایران تشکیل شدند که هیچ کدام هم ثبت نشدند اما دارند در چهارچوب عرصه های که خود تعریف کردند مشغول مبارزه و تلاش برای تغییر هستند. جمهوری اسلامی هم کار زیادی نمیتواند بکند. فعلاً نظاره گر است. در واقع لازم می‌دانستم اینها را بگویم تا نشان دهیم در چنین شرایطی، نه تنها بر اساس یک ضرورت، بلکه براساس تناسب قوا موجود، امکان تشکیل گسترده این کانوهای همبستگی با جنبش کارگری وجود دارد و باید سریعاً شکل بگیرد.

جمهوری اسلامی توان مهار این

جنبش عظیم را ندارد و توان سرکوب به معنای سالهای ۶۰ و حتی ۶۷ و از نظر من حتی دو سال پیش را هم ندارد. دستگیری تعدادی از فعالین در مراسم ۸ مارس بحرانی علاج ناپذیر می‌شود و سریع تلاش می‌کند آنها را آزاد کند. بنابراین ایجاد فوری این کانوهای عملی است. از نظر من اما باید بیشتر بر سر چگونگی تشکیل آن صحبت کرد. در این زمینه نقش رهبران عملی برجسته می‌شود. رهبرانی که برای ایجاد یک شبکه وسیع و گسترده آستینها را بالا بزنند. برای مثال فعالین جنبش دانشجویی با فعالین جنبش کارگری این کانوهای را ایجاد کنند. فعالین جنبش زنان که خود این جنبش بخشی جدا ناپذیر از جنبش کارگری است این کانوهای را ایجاد کنند.

یک دنیای بهتر: سوال زمینه های شکل گیری عملی این کانوهای همبستگی در حال حاضر چیست؟ چگونه میتوان مثلاً در اعتراض معلمان این کانوهای را شکل داد؟

نسرين رضاعلی: فکر می‌کنم هیچ زمینه واقعی تر و زمینی تر از مبارزات خود این جنبشها نیست که وجود کانوهای را ضروری می‌کند. مبارزات برای حداقل دستمزد، مبارزه برای لغو قراردادهای موقت، مبارزه علیه اخراج و بیکارسازی، مبارزه برای بیمه های اجتماعی، راستش مبارزه برای ابتدائی ترین حقوقهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی همگان. شما اشاره به مبارزات معلمان کردید که بخصوص در یک ماه نیم گذشته دوره تازه ای و اتفاقاً تعرضی تری را آغاز کرده است. این اعتراضات در حالی شکل می‌گیرد که هر روز اعتراضات و به خیابان آمدن طبقه کارگر را هم شاهدیم، زمانی که ۱۶ آذر کاملاً متفاوت با سالهای گذشته را داشتیم، و یا یک ۸ مارس سرخ و سوسیالیستی را پشت سر گذاشتیم. بنظر من فاکتور مهمی که باید دید اینست که مردم مرعوب تهدیدهای جنگی نشدند و وسیعتر به میدان آمده اند و تصمیم دارند سرنوشت خودشان را بدست بگیرند. راستش تنها راه مقابله موثر با این تهدیدات هم همین است. حرکت و مبارزات معلمان را باید در این راستا دید و باید اتفاقاً امروز با تشکیل کانوهای همبستگی با مبارزات معلمان کشور این مبارزات را تقویت و حمایت کرد. جنبش کارگری این مبارزات را بعنوان یک ← صفحه ۱۵

یک دنیای بهتر: این کانوهای چگونه میتوانند شکل بگیرند؟ آیا توازن قوای سیاسی در جامعه اجازه شکل گیری به این کانوهای را در حال حاضر میدهد؟

نسرين رضاعلی: باید نمونه هائی را اشاره کرد تا نشان بدهیم که توازن قوا به نفع مردم و جنبشی است که برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند و در متن همین نمونه ها گفت این توازن قوا امروز چگونه است و چرا امروز امکان ایجاد این تشکلهای در شکل علنی موجود است. جمهوری اسلامی و ماشین سرکوب و اربابش همیشه آماده بوده است تا بتواند هر صدای اعتراضی را با سرکوب پاسخ دهد. اما به اعتراضات کارگران نگاه کنید؛ ابتدا فعالین کارگری احضار و دستگیر می‌شوند، به کارگران اعلام می‌شود که ما از شما می‌خواهیم با اپوزیسیون تماس نگیرید، اخبار مبارزات خود را منعکس نکنید، مصاحبه با رسانه ها را ممنوع می‌کنند، ایجاد هر نوع رابطه

تظاهرات و راهپیمایی کارگران نساجی سندج از مبارزات کارگران حمایت کنید!



گزارش سوم، رضا انصاری، سندج

اجتماع کارگران نساجی در مقابل ساختمان "صندوق مهر رضا"

امروز سه شنبه ۲۲ اسفند کارگران در مقابل صندوق مهر رضا سندج از ساعت ۹ صبح همراه با خانواده های خود تجمع کردند. این تجمع در ادامه گردهمایی و تظاهرات چند روز اخیر کارگران نساجی کردستان، آلمین، پریس، و شاهو بود. قرار شده بود به هر کدام از کارگران اخراجی هر کدام ۱۰ میلیون تومان وام پرداخت کنند. روز دوشنبه در استانداری گفتند به ما ربطی ندارد و به اداره کار ربط دارد. مسئولین اداره کار گفتند به ما ربطی ندارد و به صندوق مهر رضا مربوط است. کارگران امروز با تجمع در مقابل این ساختمان تلاش داشتند بالاخره پاسخی بگیرند. اما شرح ماجرا خیلی ناهنجار تر از اینها است. این طرح فقط سردواندن کارگران است نه امکانی برای زندگی انسانی برای کارگران. اما اجازه بدهید این را نیز توضیح بدهم که بیش از ۴۰۰ کارگر نساجی و شاهو و آلمین و پریس باید این وام را دریافت کنند. اما در میان بیش از ۴۰۰ کارگر از قرار فقط به ۱۰۰ نفر وام تعلق می گیرد و از این ۱۰۰ نفر باید افراد شرایط زیر را داشته باشند:

۱- دریافت کننده وام باید مدارک فنی حرفه ای داشته باشد.

۲- یک نفر بعنوان ضامن معرفی کند ۳ جواز کسب به این صندوق ارائه دهد.

تقریباً و با جرات می توان گفت که کمتر کارگری این شرایط را دارد.

و اما تجمع امروز امروز از ساعت ۹ صبح آغاز شد و تا ساعت ۱۲ ادامه داشت. مسئولین "صندوق مهر رضا" هم گفتند که؛ اولاً ما بودجه نداریم که حالا پرداخت کنیم. دوماً ما ۱۰۰ نفر را تأیید کردیم و بقیه چرا آمدند؟ سوماً ما منتظر دستور از تهران هستیم. کارگران قرار است فردا چهارشنبه مجدداً در مقابل اداره کار تجمع کنند.

گزارشی دوم از سندج، رضا انصاری

اجتماع و راهپیمایی امروز کارگران نساجی سندج ساعت ۴ پایان یافت

فردا ساعت ۹ صبح کارگران در مقابل ساختمان "صندوق مهر رضا" در خیابان فردوسی تجمع میکنند

مذاکرات نمایندگان کارگران نساجی سندج با نماینده وزارت کار بی نتیجه ماند. شیت اماتی، حسن زارعی، جبار خدامرادی نمایندگان کارگران بدنبال راهپیمایی کارگران و خانواده هایشان و حرکت به سمت اداره کار با رستمیان از مسئولین اداره کار مذاکره کردند. نمایندگان کارگران به رستمیان گفتند که استانداری نامه کتبی اداره کار را جهت پیگیری وضعیت ما می خواهد. ما اینجا آمدیم که این نامه را شما بنویسید تا ما به استانداری برای پیگیری خواستهایمان ببریم.

برخورد رستمیان با کارگران سرد و بی تفاوت بود. او با لحنی ترحم گونه به کارگران گفت؛ "صندوق مهر رضا دچار مشکل شده است و فعلاً نمی توانیم بگوئیم که چه وقت دیگری لازم است که این وام ۱۰ میلیونی به شما تعلق بگیرد!" کارگران از پاسخ رستمیان خشمگین اند و اعلام می کنند ما همینجا تحصن می کنیم! رستمیان می گویند؛ "دولت و استان ما بی پول است، اگر می خواهید اینجا تحصن کنید ما چادر پتو و تاید در اختیار شما قرار خواهیم داد!" مذاکره بی نتیجه می ماند. ساعت یک بعد از ظهر نمایندگان کارگران در مورد نتیجه مذاکرات به کارگران در مقابل اداره کار گزارش دادند. نمایندگان کارگران اعلام کردند به ما جواب سر بالا می دهند، باید اعتراضمان را ادامه دهیم و حقمان را بگیریم. کارگران تصمیم می گیرند فردا راس ساعت ۹ صبح همراه با خانواده هایشان در مقابل ساختمان "صندوق مهر رضا" واقع در خیابان فردوسی اجتماع کنند. کارگران از مردم شهر سندج برای حمایت دعوت کرده اند.

تجمع امروز ساعت ۴ بعد از ظهر پایان یافت. ۶ ساعت اجتماع و راهپیمایی و مذاکره و اعتراض

کارگران، همراه با خواستها و شعارهایی که مطرح میکردند، با حمایت و پشتیبانی چشمگیر مردم شهر سندج همراه بود. در مقابل اداره کار در حالی که نمایندگان کارگران در مذاکره بودند، تعدادی از دانش آموزان و دانشجویان و مردم، با نشان دادن مشت گره کرده خود فریاد می زدند؛ حمایت می کنیم و نیروهای انتظامی از پیوستنشان به صف کارگران جلوگیری به عمل آوردند. انتظار کارگران و خانواده هایشان اینست که در تجمع فردا راس ساعت ۹ صبح، در مقابل ساختمان "صندوق مهر رضا" واقع در خیابان فردوسی، از حمایت درخور مردم مردم برخوردار شوند. مردم شریف و آزادیخواه شهر سندج نباید کارگران را در دفاع از حقوق پایمال شده شان تنها بگذارند.

گزارشی از سندج، رضا انصاری

اجتماع و راهپیمایی کارگران نساجی در سندج

"ما انرژی هسته ای نمی خواهیم، ما خواهان نان مسکن کار هستیم"

در چند ماه اخیرا بارها کارگران نساجی کردستان در شهر سندج برای رسیدن به خواستهای خود در مقابل اداره کار و استانداری و سایر ادارات مربوطه تجمع کردند. خواست کارگران بازگشت به کار، پرداخت حقوقهای معوقه و بیمه بیکاری است. اما تاکنون دولت و سرمایه داران کارگران را سر دواندند و وعده هایشان را عملی نکردند.

چهار ماه پیش در نشستی از مسئولین دولتی، بدون حضور کارگران و نمایندگان، طرحی را تصویب میکنند که در این طرح گفتند برای ایجاد اشتغال، از صندوق مهر رضا به هر کارگر ۱۰ میلیون وام خواهند داد. دیروز یکشنبه ۱۱ فوریه بعد از گذشت ۴ ماه سر دواندن کارگران توسط مسئولین دولتی، کارگران بنا به تصمیم مجمع عمومی خود، راس ساعت ۸ صبح در مقابل اداره کار تجمع کردند و در این تجمع علیه عدم رسیدگی به خواستهایشان اعتراض کردند. این اجتماع، که از طرف کارگران سایر بخشهای سندج نیز

حمایت می شود، با بی توجهی مسئولین روبرو شد و پاسخی به کارگران داده نشد و مسئولین اداره کار از مذاکره با کارگران خوداری کردند. کارگران در عکس العمل به این وضعیت همانجا و بسرعت مجمع عمومی تشکیل دادند و تصمیم گرفتند که اعتراضشان را با راهپیمایی در شهر ادامه دهند. بنا به تصمیم مجمع عمومی، کارگران به طرف استانداری حرکت کردند و آنجا خواهان مذاکره با مسئولین شدند. همینطور تصمیم گرفته شد در صورت پاسخ ندادن اعلام کنند دوشنبه همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری تجمع خواهند کرد.

در اجتماع و راهپیمایی یکشنبه کارگران پلاکارتی در دست داشتند با شعار ما خواهان ابقا به کار هستیم، قرارداد موقت لغو باید گردد، بیمه بیکاری باید پرداخت شود، ما خواستار پرداخت حقوقهای معوقه خود هستیم! کارگران از سه راه مردوخ، که اداره روابط عمومی آنجاست، به طرف استانداری حرکت کردند. راس ساعت ۱۱ کارگران در مقابل استانداری حضور داشتند و تا ساعت ۱۲ از طرف مسئولین استانداری نیز پاسخی نگرفتند. راس ساعت ۱۲ نماینده کارگران اعلام کرد؛ اگر امروز به ما پاسخ ندادی فردا همراه با خانواده های خود در مقابل استانداری تجمع خواهیم کرد!

امروز دوشنبه ۱۲ فوریه ۲۰۰۷، کارگران از ساعت ۱۰ صبح همراه با خانواده هایشان در مقابل استانداری تجمع کردند. کارگران پلاکارتی در دست دارند و خواهان؛ پرداخت حقوقهای معوقه، ابقا به کار، پرداخت بیمه بیکاری، و پرداخت وام ۱۰ میلیونی هستند که بیش از چهار ماه است طبق مصوبه خودشان وعده آن را به کارگران دادند.

ساعت ۱۱ شیت اماتی، حسن زارعی، و جبار خدامرادی به نمایندگی کارگران برای مذاکره وارد استانداری شدند. اقبال پور از طرف استانداری و نماینده حراست در این مذاکرات حضور

اجتماع ۲۰۰۰ نفر از معلمان کرمانشاه

تحصن دانش آموزان آبادان برای حمایت از معلمین

اما ما دانش آموزان با این تهدیدات و تشویق ها عقب نشینی نخواهیم کرد و برای حمایت از معلمان دبیرستان ها را به تعطیلی خواهیم کشاند. در روز های آینده برای تکمیل این گزارش پس از برقراری این تحصن دانش آموزان عکس برایتان ارسال خواهم کرد.

البته این رو بگم که امروز 18/12/85 آن گونه که تلویزیون جمهوری اسلامی نشان می داد احمدی نژاد در جمع برخی از معلمان قول برآورده شدن خواسته های آنان را داده است.

در ادامه امروز که دوشنبه است مدارس زیادی نیمه تعطیل است و تق و لق است. بعضی از معلمها که سعی دارند کلاس را برگزار کنند فقط با پنج یا شش دانش آموز حاضر در کلاس عملاً باز کلاسها شکل



نمیگیرند. بخشاً زمزمه شده که آموزش پرورش فردا تمام حقوق معلمها و عیدی و پاداشها را یکجا پرداخت خواهد کرد. البته بعید بنظر می رسد ولی اگر این واقعیت داشته باشه يك گام موفق برای مبارزات همبسته معلمان خواهد بود.

امروز چهار دبیرستان ابوزر. امیر کبیر. شریتی. دماوند تقریباً تعطیل بود.

زنده باد همبستگی معلم و دانش آموز!

زنده باد آزادی!

زنده باد رفاه و امنیت و شادی برای همه!

دوشنبه 21 اسفند 1385

اعلام تحصن دانش آموزان آبادان برای حمایت از معلمین و گزارشی تا این لحظه

گزارش از پدرام شایان

چهارشنبه 16/12/85 طی جلسه ای که میان کادر رهبری جنبش دانش آموزی آبادان برگزار شد، قرار بر این شد تا روز شنبه 19/12/85 دانش آموزان آبادانی به خصوص در مقطع دبیرستان، برای اعلام حمایت از معلمین معترض تا تعطیلات نوروزی که از 28/12/85 شروع میشود بر سر کلاس های درس حاضر نشوند.

پس از این تصمیم، قرار بود تحصن از روز شنبه شروع شود اما فردای جلسه پنجشنبه 17/12/85 هم زمان با روز جهانی زن اکثر دانش آموزان در برخی از دبیرستان های آبادان سر کلاس های درس حاضر نشدند که این اقدام منجر به تقریباً تعطیلی این دبیرستان ها شد. نام این دبیرستان ها عبارتند از: دماوند- امیرکبیر و شریعتی

امیدواریم که از روز شنبه به بعد نه تنها در آبادان بلکه در سراسر کشور دانش آموزان آگاه به نشانه حمایت کامل از حق معلمان سر کلاس های



درس حاضر نشوند.

بعد از تصمیم جنبش، مدیران و معاونان وابسته و سپاهی برخی از دبیرستان های آبادان، دانش آموزان را به خاطر احتمال حاضر نشدن سر کلاسها و مدارس، تهدید تحصیلی کرده اند و همین طور در اعزای حاضر شدن دانش آموزان دبیرستانی سر کلاس ها قول تشویق تحصیلی را به آنها داده اند.



انتظامی کرده اند. علاوه بر سه نفر فوق آقای رضازاده یکی دیگر از معلمان کرمانشاه نیز مورد بازجویی قرار گرفته و بطور موقت آزاد شده است.

حزب کمونیست کارگری دستگیری معلمان کرمانشاه را محکوم میکند و آنها را فرامیخواند که برای آزادی همکاران خود به اعتراض ادامه دهند و فردا چهارشنبه ۲۳ اسفند همراه با معلمان تهران دست به



تجمع بزنند. حزب از همه خانواده های معلمان، از کارگران و دانشجویان و همه مردم آزادیخواه کرمانشاه میخواهد قاطعانه از مبارزه معلمان حمایت کنند و با تمام قوا در تجمعات آنها شرکت کنند.

دست نیروهای سرکوبگر

از سر معلمان کوتاه!

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۳ مارس ۲۰۰۷، ۲۲ اسفند ۱۳۸۵

۲۰۰۰ نفر از معلمان کرمانشاه در تجمع امروز سه شنبه:

اگر معلمان زندانی آزاد نشوند، روز چهارشنبه دست به تجمع گسترده تر خواهیم زد

در اعتراض به دستگیری سه نفر از فعالین معلمان در کرمانشاه، امروز ۲۰۰۰ نفر از معلمان این شهر در مقابل آموزش و پرورش گرد آمدند و نسبت به دستگیری همکاران خود اعتراض کردند و اعلام کردند چنانچه همکارانمان تا ساعت ۳ بعدازظهر امروز سه شنبه آزاد نشوند فردا چهارشنبه دست به تجمع گسترده تر خواهیم زد.



طبق گزارشات روز دوشنبه ۲۱ اسفند آقای صادقی از فعالین معلمان در کرمانشاه توسط نیروهای انتظامی دستگیر میشود. سایر اعضای کانون صنفی معلمان دسته جمعی مراجعه میکنند که علت دستگیری را بپرسند. نیروهای انتظامی همانجا علی حشمتی و مهدی توکلی را نیز دستگیر میکنند. صادقی، حشمتی و توکلی چند روز قبل جزو سخنرانان تحصن ۳۰۰۰ نفره معلمان بودند. بازجویی از معلمان دستگیر شده در پشت درهای بسته انجام شده و سپس آنها را روانه بازداشتگاه نیروی

تظاهرات کارگران سندج...

داشتند. نمایندگان کارگران خواستهایشان و اعتراض به عدم پیگیری مسئولین به خواستههای کارگران را مطرح کردند، اما اقبال پور نماینده استانداری اعلام کرد که "مشکلات شما ربطی به ما ندارد، اداره کار طرف حساب شما می باشد". نمایندگان کارگران اعلام کردند ما تا رسیدن به خواستههای خود به اعتراضات مان ادامه خواهیم داد. نمایندگان کارگران نتایج مذاکرات را به اجتماع مقابل استانداری اعلام کردند. کارگران همانجا تصمیم گرفتند که با راهپیمایی به طرف اداره کار در سه راه جام جم حرکت کنند.

مارش کارگران با در دست داشتن پلاکاردی که نوشته است: "ما انرژی هسته ای نمی خواهیم ما خواهان نان مسکن کار هستیم"، از استانداری به طرف میدان انقلاب و سپس میدان آزادی، خیابان شش بهمن، دانشگاه، خیابان ادب، و در نهایت اداره کار حرکت کردند. هم اکنون و تا ساعت یک ظهر، اجتماع کارگران در مقابل اداره کار در خیابان جام جم ادامه دارد. نیروهای انتظامی در تمام مدت صف کارگران را محاصره کردند تا مردم به آنها نپیوندند. مردم سندج اما در پیاده روها کارگران را همراهی می کردند و با مارش کارگران هم صدا بودند. در حال حاضر نماینده های کارگران وارد ساختمان اداره کار شدند و مشغول مذاکره هستند.



دلارا دارابی را نجات دهیم! نامه پدر دلارا

محکوم می‌کنم. از هر کس که می‌خواهد بیاید و این پرونده و نحوه رفتار اینها با دخترم را بررسی کنند، دعوت می‌کنم بیایند. اصلاً حقوق بشر اسلامی بیاید تحقیق کند، از فلسطین و یا لبنان و یا از هر جایی که اینها قبول دارند هیبتی بیاید و ببیند با بچه ۱۷ ساله من چه کرده اند. هر روز یک بلا سرش می‌آورد، سه سال است که در زندان است و اکنون ۲۰ ساله است. او در زندگیش تا ۱۷ سالگی هیچ چیز ندیده جز ناز و نعمت، هیچ چیز را نمی‌شناسد، جز دفتر و قلم و کتاب و موزیک و نقاشی.

من سه سال پیش، وقتی از ماجرا مطلع شدم، خودم دخترم را تحویل دادگاه و تحویل قانون دادم. قانون و قوه قضاییه ای که اکنون با تمام وجودم لمس می‌کنم که در آن هیچ عدالتی نیست.

امروز بچه من نه فقط بدلیل محکومیت به اعدام جانش در خطر است، بلکه بدلیل رفتاری که در زندان شماره ۲ نسوان رشت با او می‌کنند، نیز جانش در خطر است. بچه من حق دارد که شکجه نشود، حق دارد که در زندان از استانداردهای رفاهی و غذایی خوبی برخوردار باشد. اما در اینجا از این امکانات اولیه خبری نیست. غذای کافی به او نمی‌دهند. خرج این بچه را ما می‌دهیم. اما اجازه نداریم ملاقاتش کنیم. همین امروز که با شما حرف می‌زنم، من و مادرش و خواهرانش به دیدن او رفتیم، ولی باز به بهانه ای اجازه دیدن او را نداشتیم.

من می‌گویم فرزند دلیند مرا در یک قفس آهنین بگذارید و کلیدش هم دست خودتان باشد، فقط اجازه دهید که روحش تا این حد آزار نیبند. اجازه دهید که خود ما از او مراقبت کنیم. اجازه دهید که به او دفتر و قلم و کتاب و کاغذ بدهیم و اجازه دهید که او مشغول نقاشی کردن باشد. او تنها کتاب و دفتر و مداد و وسایل نقاشی را می‌شناسد.

من در انقلاب شرکت کردم. ما انقلاب کردیم تا عدالت اجرا شود. ولی در این مملکتی که من در آن نفس می‌کنم، بویی از عدالت نشنیده اند و من عدالتی را تجربه نکرده ام.

من از انسانهای بشردوست، از

دلارا دارابی ۱۷ سال داشت که به اتهام قتل یکی از اقوام خودشان دستگیر شد. او به همراه دوست پسرش، ظاهراً برای دزدی به خانه یکی از افراد فامیل خود رفته و در جریان مقاومت و دفاع صاحبخانه، متأسفانه این فرد به قتل رسیده است. دلارا می‌گوید دوستم به من گفت تو قتل را به عهده بگیر چون جوان هستی و فامیل مقتول، شامل حکم اعدام نمیشود. به این ترتیب دلارا قتلی را به عهده گرفت، که اکنون می‌گوید او این قتل را انجام نداده است. اما در جریان محاکمه بلافاصله به اعدام محکوم شد. وکیل او و همه دست اندرکاران پرونده و همه کسانی که دلارا را دیده اند، معتقدند که او از نظر جسمی و روحی در شرایطی نبوده که دست به این قتل زده باشد و ما اضافه می‌کنیم که حتی اگر این قتل توسط دلارا و دوست او انجام گرفته باشد، کسی را نباید به اعدام محکوم کرد و بویژه اعدام جوانان در همه دنیا ممنوع است و حکومت اسلامی نیز نباید جرات کند نوجوانان را بیشرمانه به اعدام محکوم کرده و آنها را به قتل برساند.

برای نجات دلارا کمپینی جهانی در جریان است. اخیراً در تهران نمایشگاه نقاشی های دلارا در جریان بود و توجه های زیادی را بخود جلب کرد. کمیته علیه اعدام برای نجات دلارا دارابی کمپینی اعلام کرده و اقدامات متعددی را انجام داده است. اکنون با چاپ ادعای نامه پدر دلارا یکبار دیگر از همگان می‌خواهیم کمک کنند دلارا را از اعدام نجات دهیم.

ادعا نامه پدر دلارا دارابی

دختر من دلارا دارابی متهم به قتلی ناکرده است. او گناه کس دیگری را به دلیل قلب مهربانش به عهده گرفته و به نوعی خود را آلوده این پرونده کرده است. دفاع من از او نه بدلیل اینکه او فرزند من است، دفاع من از او دفاع از حقیقت و دفاع از عدالتی است که در اینجا وجود ندارد. من خواهان اجرای عدالت هستم و دلارای من دو سال است که اسیر کسانی است که هیچ بویی از انسانیت و عدالت نبرده اند.

من این رفتار با دختر دلیندم را

گفتگو با آرزو رضائی از فعالین جنبش آزادی زن

یک دنیای بهتر: با خسته نباشید. مراسم روز زن امسال چگونه برگزار شد؟

مراسم شما مطرح شد، کدامیک از این خواستها محوری بود و بیشتر در مورد آن تاکید شد؟



آرزو رضائی: به دلیل محدودیت فضا (از لحاظ امنیتی) بحثها خیلی آزاد نبود اما مشخصاً مقوله اشتغال زنان و برابریهای شغلی و تأثیر آن در روابط فردی و اجتماعی و خانوادگی و همچنین بحث در مورد سیستم

آرزو رضائی: در مجموع ۸ مارس با امسال با سالهای گذشته تفاوت چشمگیری داشت. علی رغم فشارها و به رسمیت نشناختن از سوی جمهوری اسلامی و لغو جوزهها، برای مردم شناخته شده تر بود و خیلی ها میدانستند "امروز چه روزی است". تا به مراسم ما برمیگردد، بحثها علمی تر و تحلیلی تر بود و فقط یک بزرگداشت معمولی نبود. بلکه از ۸ مارس تا ۸۴ یک سری کارهای خوب شده بود و قرار است از امسال تاسل دیگر کارهای علمی تر بیشتر هم صورت بگیرد.

آرزو رضائی: جنبش آزادی زن جنبشی محوری و به شدت در حال گسترش است و باید از بنیان آن را اصولی سازماندهی نمود و پایه هایش را محکم کرد. برای اینکار نیاز به تشکل و انسجام هرچه بیشتر و فعال نمودن جمع ها و هماهنگ کردن و همسو کردن مطالبات، شعارها، و تحکیم چهارچوبهای فکری ضروری و مبرم اند. همچنین فعالیتهای عملی را باید توسعه داد تا برابری جنسی به بحثی فراگیر و محوری نه تنها در جنبش آزادی زن بلکه در همه جنبشهای برحق و مبارزاتی دیگر تبدیل شود.

به امید موفقیتهای هر چه بیشتر شاد و پیروز باشید.

آرزو رضائی: من از طرف خودم و دوستانم به شما و خوانندگان نشریه سلام می‌کنم و ۸ مارس را به همه آزادیخواهان (اعم از زن و مرد) تبریک می‌گویم و امیدوارم روزی برسد که همه انسانها آنقدر به حقوق هم احترام بگذارند که نیازی به برگزاری روزی مثل ۸ مارس نباشد. برنامه مابصورت محدود با حضور حدوداً پنجاه نفر زن و مرد (ترکیبی از چندشهر) بصورت مهمان برگزار شد. برنامه با بحث های داغ و دست زدن و خواندن مقاله ها و نهایتاً با خوردن شیرینی به پایان رسید.

یک دنیای بهتر: ۸ مارس امسال با سالهای گذشته چه تفاوتی داشت؟

یک دنیای بهتر: خطاب به خوانندگان این نشریه چه صحبتی دارید؟



یک دنیای بهتر: چه خواستهایی در

بیانیه فراکسیون ...

خاورمیانه اسلام سیاسی را عقب براند، توازن جدیدی را به آن تحمیل کند، جناحهای پرو غربی اسلام سیاسی را تقویت کند و سیاستهای منطقه ای خود را اجرا کند. اسلام سیاسی میکوشد با اتکا به تروریسم در منطقه و جهان و استفاده از شکاف و رقابت قدرتهای سرمایه داری به پرچمدار نفرت مردم در منطقه از تحقیر تاریخی جهان عرب و مسئله فلسطین تبدیل شود. اسلام سیاسی بدنبال افول و شکست ناسیونالیسم ملیتانت عرب که صدام حسین آخرین سنگر آن بود، تلاش دارد به سخنگو و پرچمدار بورژوازی منطقه تبدیل شود و امتیازات سیاسی و اقتصادی خود را اعاده میکند. هم اهداف استراتژیک آمریکا و هم جناحهایی از رژیم اسلامی و جنبش اسلام سیاسی از بحران و رودروئی استقبال میکند و جنگ و تروریسم را منشا بقا و تحکیم قدرت خود میداند.

۴- اهداف سیاسی آمریکا و متحدینش با اهداف سیاسی جنبش اسلام سیاسی غیر قابل جمع اند. هر گونه سازش و یا عقب نشینی در این روند محتمل است، اما نه آمریکا میتواند با درجه ای سازش با اسلام سیاسی رضایت دهد و نه جمهوری اسلامی با سیمای سیاسی و ایدئولوژیک امروز میتواند با اهداف سیاسی و راه حلهای آمریکا و دولتهای غربی کنار بیاید. تلاش برای حل مسئله فلسطین و پروژه "دولت ملی فلسطینی" مرکب از حماس و الفتح، تلاش برای تسریع روندی که حزب الله لبنان بعنوان یک نیروی سیاسی در دولت لبنان شریک شود، ایجاد دولتی در عراق که نفوذ نیروهای طرفدار جمهوری اسلامی را در آن کاهش دهد، و تلاش برای دست بالا پیدا کردن جریانهای طرفدار مصالحه با غرب در رژیم اسلامی، جوانی از خط مشی عقب راندن و کنترل اسلام سیاسی در خدمت اهداف و پروژه های سیاسی آمریکا و مونتلفینش در منطقه اند. اما این یک جنگ است، دیپلماسی و مذاکره و امتیاز دادن و امتیاز گرفتن، بخشی از پروسه این جنگ است. هنوز این روند، حتی با فرض موفقیت آن، نه تنها امکان تنشهای منطقه ای و با احتمال جنگ و دخالت ملیتاریستی را تماما منتفی نمیکند بلکه به دلیل ساختار سیاسی ای و نیروهای متشکله ای که بجا میگذارد منشا جنگ و تخصص سیاسی است.

۵- در تقابل با رژیم اسلامی دو

روند همزمان پیش میرود؛ تحریم اقتصادی و تهدید جنگ و اعمال فشار دیپلماتیک و تلاش برای احیا مذاکرات و رسیدن به توافقی در زمینه مسائل منطقه و پرونده هسته ای. هر دو روند علیرغم تفاوتها و پیامدهای آن به ضرر مردم ایران و مبارزه برحق آنها علیه اوضاعی است که تروریستها در منطقه و جهان بوجود آورده اند. سیاست تحریم اقتصادی بعنوان یک سلاح کشتار جمعی جامعه ایران را به فقر و فلاکت و استیصال سیاسی میراند و در خدمت تحکیم ارتجاع و اختناق و رشد نیروهای دست راستی ضد جامعه عمل میکند. بهانه جوئی های آمریکا و هر نوع حمله نظامی محدود یا غیر محدود، منطقه را به آتش میکشد و اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی را به یک نیروی غیر قابل مهار تبدیل میکند. مصائب انسانی و اجتماعی هر نوع حمله نظامی وحشتناک و غیر قابل مقایسه با تجارت و تراژدیهای تاکنونی خواهد بود. جامعه را به قهقرا میبرد و نسلهای از مردم باید تاوان مصائب جنگ را بپردازند. این روندها در اساس مبارزه مردم علیه وضع موجود را قیچی میکند و راه عروج نیروهای ارتجاعي در درون و بیرون رژیم اسلامی را هموار میکند.

۶- در این اوضاع نیروهای دست راستی تلاش خواهند کرد تا ایستگاههایی را به مبارزه مردم تحمیل کنند. حمایت از بخشهایی از رژیم و مشخصا جریانهای طرفدار مذاکره با آمریکا تا شکل دادن به جبهه ضد امپریالیستی و انواع سیاستهای ارتجاعي که نهایتا تغییراتی را در بالا ایجاد میکند و مردم را از دخالت در صحنه سیاسی دور میکند، در دستور قرار خواهند گرفت. خود رژیم اسلامی پرچمدار و مبتکر دامن زدن به ناسیونالیسم ایرانی و بسیج ناسیونالیستی خواهد شد. این سیاست تقریبا از حمایت عمده جنبش ملی اسلامی برخوردار خواهد بود. بخشهایی از اپوزیسیون راست رسما در کنار رژیم اسلامی قرار میگیرند و بخشهایی از نیروهای راست پرو غرب و همینطور مجاهدین و قوم پرستان در کنار ارتش آمریکا نقش کنتر و یونیتا را ایفا خواهند کرد. کمونیسم کارگری سیاستی اساسا متفاوت در قبال این بحران دارد. نقطه عزیمت سیاست ما شکست استراتژی ملیتاریستی و نظم نویی و تروریسم اسلامی و پیشبرد استراتژی استقرار حکومت کارگری در هر شرایطی است. جنبش عظیم کمونیسم کارگری یک طرف درگیر در این بحران است و برای دخالتگری و پیشروی باید قاطعانه در مقابل نیروهای دست

راستی و ضد جامعه بایستد و ضدیت اهداف سیاسی آنها را با مبارزه و منافع مردم نشان داد.

۷- سیاست کمونیستی در این بحران مدافع زندگی و امنیت مردم، مدافع مبارزه کارگران و جنبشهای آزادیخواه و پرچمدار روندهای پیشرو سیاسی است. روندهایی که امر مبارزه طبقاتی را تسهیل کند، به اسلام و ارتجاع مذهبی در تقابل با سکولاریسم عقب نشینی تحمیل کند، دولتهای مرتجع ناسیونالیسم عرب را حاشیه ای کند، و در راس آن علیه ملیتاریسم و تروریسم دولتی و غیر دولتی بایستد و با بسیج مردم آنرا به شکست بکشانند. ما قاطعانه سیاستهای ارتجاعي و ملیتاریستی و تروریستی آمریکا و متحدینش علیه مردم عراق و فلسطین و منطقه را محکوم و علیه آن مبارزه میکنیم. ما برای شکست اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی تلاش میکنیم. تلاشهای اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی را برای مسلح کردن این جنبش به سلاح هسته ای محکوم میکنیم و معتقدیم رژیم اسلامی نباید به سلاح هسته ای مسلح شود. کمونیسم کارگری مدافع خلع سلاح عمومی و یک دنیای بدون سلاح هسته ای است. ما برای بسیج بشریت متمدن و جنبشهای برابری طلب و انساندوست در دفاع از روندهای پیشرو و سکولار و آزادیخواهانه در ایران و خاورمیانه تلاش میکنیم. ما مدافع برسمیت شناسی فوری دولت مستقل فلسطینی و پایان دادن به سرکوب و آوارگی مردم فلسطین هستیم و با اتکا به مبارزه جهانی بشریت پیشرو برای احیا پروسه صلح که اصل برسمیت شناسی دو دولت مستقل و متساوی الحقوق را هموار کند تلاش میکنیم.

۸- مردم ایران در مقابل این بحران نباید سیاست صبر و انتظار را پیشه کنند. امروز ایران نقطه امید هر تحول سیاسی رادیکال و پیشرو در خاورمیانه و جهان است و هر تحول مثبت و انسانی در ایران تأثیرات پایدار منطقه ای و جهانی خواهد داشت. طبقه کارگر و مردم باید پاسخ مستقل خود را به این بحران بدهند. مردم باید به مخاطرات این روندها و پیامدها و مصائب بی پایان آن آگاه باشند و با هوشیاری به آن برخورد کنند. بمیدان آمدن مردم برای سرنگونی حکومت اسلامی به این سناریوها مهر بطلان میزند. جریانهای راست اپوزیسیون و نیروهای ضد جامعه را که سناریوی عراق را برای ایران دنبال میکنند حاشیه ای میکند. امروز به میدان آمدن مردم و گسترش

مبارزه برای آزادیهای سیاسی، بر علیه فقر و فلاکت، بر علیه آپارتاید جنسی، بر علیه سیاستهای ملیتاریستی و تروریستی رژیم اسلامی میتواند بسرعت صحنه سیاست ایران و منطقه را عوض کند. مردم ایران میتوانند پیشاپیش مردم پیشرو جهان بر علیه تروریسم و ملیتاریسم در تمام اشکال آن قرار گیرند. خط مشی "نه جنگ، نه تحریم اقتصادی، نه بمب اتمی، برای آزادی و رفاه همگان"، پرچمی است که میتواند صف مستقل و پیشرو مردم را در این بحران نمایندگی کند.

۹- جنبش کمونیسم کارگری موظف است علیه مخاطرات جنگ و تحریم و عروج قومپرستی و نیروهای سناریوی سباهی به جامعه اعلام خطر و علیه آن نیرو بسیج کند. علیه بسیج ناسیونالیستی که سیاستی در خدمت رژیم است هوشیار باشد و نیروهای مدافع سیاست نظم نوین را افشا و منزوی کند. برای سازماندهی در اشکال مختلف اقدام کند و تصویر مستقل خود را به جامعه ارائه کند. تنها چنین سیاستی میتواند نیروی بشریت متمدن را علیه دو اردوی تروریستی دنیای امروز بخطر کند. تنها اتخاذ گسترده و وسیع این سیاست در ایران میتواند مانع شود که اسلام سیاسی در میان جنبش ضد جنگ در غرب متحد سیاسی پیدا کند.

باید بشریت متمدن را برای مقابله با مسابقه تروریستی و جنگ و تولید سلاح اتمی و تحریم اقتصادی وسیعا بمیدان کشد. این جنبش باید قاطعانه علیه ملیتاریسم و تروریسم بایستد. این جنبش نباید کوچکترین آوانسی به جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی دهد. این جنبش تنها در صورتی میتواند به یک جریان قوی و بازدارنده و پیشرو تبدیل شود که منافع انسانی و آزادی و برابری را در مقابل جدال دولتهای سرمایه داری و اهداف ارتجاعي شان نمایندگی کند. باید نیروی طبقه کارگر و بشریت پیشرو را در حمایت از سرنگونی دولتهای اسلامی و جنبش آزادیخواهانه و سکولاریستی و سوسیالیستی در منطقه بسیج کرد. کمونیسم کارگری باید در صف مقدم این جدال در ایران و جهان قرار گیرد و اعضا و فعالین این جنبش به سخنگویان و رهبران جنبش مقابله با سیاستهای ارتجاعي و ملیتاریستی آمریکا و متحدینش و تروریسم اسلامی و جمهوری اسلامی تبدیل شوند.

۱۴ مارس ۲۰۰۷

قطننامه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

بیانیه حقوق مهاجرین!

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرفه، سکولار و پیشرو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم. برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است. ما به صف مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود. ما در عین حال علیه هر گونه درجه بندی رسمی و تلویحی شان و شخصیت افراد بر حسب محل تولد و یا تابعیت، قاطعانه مبارزه میکنیم.

ما برای تحقق و تضمین وسیعترین آزادیها و حقوقهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برای کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت مبارزه میکنیم. اهم این حقوق و آزادیهای عبارتند از:

۱- کلیه ساکنین ایران مستقل از تابعیت و محل تولد، بدون هیچگونه تبعیضی، از حقوق و وظایف شهروندی برابر در تمامی عرصه های فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی برخوردار خواهند بود. هر فرد ساکن ایران عضو برابر و متساوی الحقوق جامعه است. تمامی قوانین جامعه بدون استثناء مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت شامل حال تمامی ساکنین در ایران میشود.

۲- ممنوعیت اعمال هر نوع محدودیت بر ورود و خروج اتباع سایر کشورها. اعطای تابعیت کشور به هر فرد متقاضی که تعهدات حقوقی شهروندی را میپذیرد. صدور

جواز ورود، اقامت، اجازه کار و کارت های بیمه و غیره برای همه متقاضیان اقامت در ایران.

۳- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل کلیه افراد مستقل از تابعیت و یا زمان اقامت در ایران. آزادی بی قید و شرط انتقاد و نقد. ممنوعیت هر گونه تحریک و تهدید علیه مهاجرین و یا افراد دارای تابعیت کشورهای دیگر.

۴- تمامی ساکنین جامعه بالاتر از شانزده سال مستقل از تابعیت از حق رای همگانی و دخالت در کلیه شئون زندگی و حیات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی جامعه برخوردارند و میتوانند برای هر نهاد و ارگان و یا احراز هر پستی و مقامی کاندید شوند.

۵- برخورداری کلیه ساکنین کشور مستقل از تابعیت از حق معاش و ضروریات یک زندگی متعارف، حق فراغت، تفریح و آسایش، حق آموزش و استفاده از کلیه امکانات آموزشی جامعه، حق سلامتی و برخورداری از کلیه امکانات بهداشتی و درمانی موجود.

۶- شمول کلیه قوانین کار و رفاه اجتماعی نظیر کلیه حقوق و وظایف شهروندان کشور بدون هیچ تبعیضی بر کلیه کارگران و خارجیان مقیم کشور، برابری کامل حقوقی همه کارگران، مستقل از تابعیت و محل تولد.

۷- حق هر زوج بالای ۱۶ سال، مستقل از تابعیت، به زندگی مشترک به میل و انتخاب خود. شمول برابر کلیه قوانین مربوطه به خانواده. برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد مستقل از تابعیت در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی. برابری حقوق طرفین در هنگام جدایی نسبت به دارایی ها و

امکاناتی که در طول زندگی مشترک عاید خانواده شده و یا در طول زندگی مشترک مورد استفاده کل خانواده بوده است.

رابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امور مربوط به تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی، مستقل از تابعیت. مبارزه میکند.

۸- تمام ساکنین ایران مستقل از تابعیت در انتخاب محل زندگی، سکونت و شغل خود آزادند. هرگونه جداسازی و ایجاد محدودیت بر اتباع خارجی در انتخاب محل زندگی، سفر، نقل مکان و انتخاب شغل، ممنوع است.

۹- برخورداری کلیه کودکان از یک زندگی شاد، ایمن و خلاق، مستقل از تابعیت. تضمین استاندارد واحدی از رفاه و امکانات رشد مادی و معنوی کودکان و نوجوانان، در بالاترین سطح ممکن.

۱۰- حذف هر نوع ارجاع به تابعیت افراد از اوراق هویتی، اسناد دولتی و فعل و انفعالات اداری و یا اعلام آن در رسانه ها.

ما اعلام میکنیم که تحقق حقوق و آزادیهای فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی تمامی شهروندان ساکن ایران در گرو بزرگ کشیدن و سرنگونی رژیم ارتجاعی و ضد بشری جمهوری اسلامی و همچنین مبارزه ای همه جانبه علیه ناسیونالیسم، قوم پرستی و نژادپرستی است. جمهوری سوسیالیستی موازین مندرج در این بیانیه را بعنوان حقوق انکار ناپذیر تمامی ساکنین ایران مستقل از تابعیت تضمین خواهد کرد.

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

فوریه ۲۰۰۷

"کانونهای همبستگی با جنبش کارگری" را ایجاد کنید!

از آنجائیکه:

۱- مبارزه طبقه کارگر برای بهبود روزمره زندگی و برای یک زندگی آزاد و برابر و مرفه یک رکن همیشگی و تعیین کننده جوامع معاصر است.

۲- یک سیاست پایه ای و دائمی رژیم جمهوری اسلامی سرکوب مستقیم و سیستماتیک جنبش کارگری است.

۳- همبستگی و حمایت از جنبش کارگری توسط بخشهای مختلف جامعه یک اهرم تعیین کننده در خنثی کردن سیاستهای رژیم و تامین شرایط پیشروی و پیروزی اعتراضات کارگری است.

از این رو ایجاد کانونهای همبستگی با جنبش کارگری یک اهرم مقابله با سیاستهای رژیم اسلامی و گسترش جنبش کارگری است.

کانون همبستگی تشکیل در برگزیده فعالینی است که هدف خود را حمایت از اعتراضات و جنبش کارگری قرار میدهد. برای این اعتراضات حمایت سیاسی و مادی و معنوی بسیج میکند. در این تجمعات شرکت میکند. حمایت بخشهای مختلف مردم آزادیخواه را از این اعتراضات جلب میکند.

دانشجویان و جوانان مدافع جنبش کارگری!

با تشکیل کانونهای همبستگی با جنبش کارگری یک گام موثر در تغییر وضعیت موجود به نفع مبارزه طبقه کارگر بردارید.

برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است.

انسانی مستقل از تابعیت، مستقل از محل تولد، مستقل از اینکه به چه زبانی تکلم میکند، باید بمثابة شهروند متساوی الحقوق جامعه بشمار آید. اهم این حقوق برابر را بمنظور جلوگیری از هر گونه تحریف و سوء استفاده دقیق و روشن بر میشمرد.



گفتگو با علی جوادی در باره بیانیه حقوق مهاجرین

یک دنیای بهتر: آیا این بیانیه صرفاً اعلام تعهدی به گوشه ای از قوانین جمهوری سوسیالیستی فردا در باره مهاجرین است و یا همین امروز هم در متن جوامع امروز یک پرچم مبارزاتی است؟

علی جوادی: ما برای تک تک مفاد برنامه مان، "یک دنیای بهتر" در متن جوامع امروز و در شرایط کنونی مبارزه میکنیم. ما برای مبارزه برای این اهداف منتظر مجوز تاریخ و یا فرا رسیدن مرحله معینی در تاریخ نیستیم. بیانیه حقوق مهاجرین در عین اینکه پرچمی برای مبارزه در شرایط کنونی است، در عین حال بیانگر تعهد کمونیسم کارگری به حقوق انسانی و شهروندی مهاجرین در یک جمهوری سوسیالیستی است. تمامی مفاد مندرج در این بیانیه و همچنین کلیت مفادی که در برنامه یک دنیای بهتر قید شده است، به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. این بیانیه در عین حال بر ضرورت تشدید مبارزه علیه این شرایط ضد انسانی تأکید دارد.

یک دنیای بهتر: یک وجه مهم مقابله با هر نوع تبعیض از جمله تبعیض براساس تابعیت مقابله روشن و صریح با راسیسم و ناسیونالیسم و نژاد پرستی است. بیانیه در این زمینه چه واکنشی دارد؟

علی جوادی: بیانیه خواهان مبارزه ای مستقیم و روشن علیه راسیسم و ناسیونالیسم و نژادپرستی است. تبعیض میان انسانها یک رکن پایه ای ناسیونالیسم و اشکال متفاوت آن است. برتری طلبی عنصر ذاتی راسیسم و نژادپرستی است. بدون مبارزه ای روشن و همه جانبه علیه این نابرابری ضد انسانی نمیتوان به برابری حقوقی و سیاسی و مدنی انسانها دست یافت. مبارزه برای حقوق برابر انسانها مستقل از تابعیت و اقامت و یا نژاد بدون مبارزه ای همه جانبه علیه تبعیض و نابرابری میان انسانها ممکن نیست.

در عین ← ادامه در ص ۹

است. ناسیونالیسم ایرانی کثیف ترین تبلیغات ضد انسانی و ضد مهاجرین را در جامعه دامن میزند و مخزن عظیمی از ضدیت و نفرت علیه این شهروندان جامعه تولید میکند. این شهروندان مورد انواع اذیت و آزار واقع میشوند. سرمایه و کارفرمایان بیشترین فشار و سوء استفاده از این موقعیت حاشیه ای ایجاد شده را می برند. سخت ترین و پر مشقت ترین کارها با کمترین دستمزدها حاصل چنین موقعیت فرودستی است. ناسیونالیسم این تبعیض ضد انسانی را توجیه میکند. دولت سرمایه این حقوق نابرابر و موقعیت فرودست را تحمیل میکند. سرمایه بیشترین منفعت اقتصادی از این موقعیت حاشیه ای و نابرابر را میبرد. اما این شرایط مختص و یا محدود به ایران نیست. پدیده ای جهانی است.

در آمریکا و اروپا هر روزه تبلیغات عظیمی علیه مهاجرین به این کشورها توسط دستگاههای تبلیغاتی بورژوازی حاکم تولید میشود. شدیدترین و ضد انسانی ترین قوانین علیه مهاجرین را در این شرایط تثبیت میکنند. شکار انسان دردمند مهاجر که برای تامین زندگی از مرکزیک و آمریکای لاتین به این کشور پناه آورده است، یک شغل کثیف بخشی از سیستم پلیسی و قضایی این کشور است. تصویر انسانهایی که از صحرا و کویر با پای پیاده و کیسه ای بر دوش به این کشور به امید شغل و کاری پناه می آورند، گوشه ای از واقعیت زندگی در این جوامع است. اخیراً حتی در مرزهای جنوبی آمریکا اقدام به کشیدن دیواری به طول چند هزار کیلومتر کرده اند. در دوران جنگ سرد دیوار برلین سمبل جنگ و کشمکش دو بلوک رقیب جهانی بود. همه ما شاهد تبلیغات عظیم دستگاه تبلیغاتی غرب در جنگ سرد علیه این دیوار بودیم. "این دیوار را پایین بکشید" یک رکن تبلیغات بلوک غرب علیه بلوک شرق بود. اما امروز ما شاهدیم که چگونه دیواری به طول چند هزار کیلومتر علیه مردمی گرسنه و فقر زده کشیده میشود. آنچه که در این جوامع شاهدیم شرم آور و تکان دهنده است. جوهر این بیانیه این است که هر

درخواست از شوراهای حاکم بر جامعه و با قبول وظایف و تعهدات شهروندی به تابعیت جامعه در آید. تابعیت از نقطه نظر ما عاملی برای برتری و مهاجر عاملی برای فرودستی نیست. برابری انسانها اصل اساسی قانون جمهوری سوسیالیستی است.

یک دنیای بهتر: این بیانیه چرا ضروری شده و چه نقدی به قوانین بین المللی فعلی در اینمورد دارد؟ حرف حساب این بیانیه چیست؟

علی جوادی: این بیانیه پاسخ ما کمونیستهای کارگری به یک مساله گری در جوامع موجود است. مساله ای که تحت عنوان مساله پناهندگان و یا مهاجرین بطور مشخص با سقوط بلوک شرق و جنگها و کشمکشهای تشدید شده در جهان معاصر ابعاد گسترده تری بخود یافته است. این پاسخ ما به یک درد و معضل بخشی از بشریت معاصر است که میخواهد زندگی کند، میخواهد زندگی بهتری داشته باشد و ناچار شده از بخشی از جوامع کنونی به جوامع دیگر مهاجرت میکند. چندین میلیون نفر در اروپا در موقعیت عمیقاً نابرابر و بعضاً ضد انسانی قرار دارند. روزی نیست که ما شاهد درد و رنج و فاجعه مردمی که تکه زندگی خود را به دوش گرفته و راهی مکانی شاید امن تر، شاید بهتر هستند، نباشیم. آوارگی و درماندگی و تحقیر و توهین انسانی که از جامعه ای فرار کرده و مهاجرت کرده گویی به بخشی از دردهای بیشمار جامعه کنونی تبدیل شده است. به موقعیت پناهنده و مهاجر در کشورهای اروپایی و آمریکایی و یا ایران نگاه کنید. انسانهای تحقیر شده، هر روز مورد اهانت قرار گرفته، و نا برابر را مشاهده میکنید. امروز مساله "مهاجرین" یک مساله حاد بین المللی است.

در ایران شما با چند میلیون افغانستانی مهاجر که نزدیک به سه دهه است که در جامعه ایران زندگی کرده اند اما کماکان در موقعیت بسیار غیر انسانی قرار دارند، مواجه هستید. ستم و فرودستی ای که رژیم اسلامی به این بخش از ساکنین و شهروندان جامعه اعمال میکند تکان دهنده و شرم آور

یک دنیای بهتر: کمونیسم کارگری به مقوله مهاجر چگونه نگاه میکند؟ در جمهوری سوسیالیستی مهاجر چه موقعیتی دارد؟

علی جوادی: "مهاجر" به معنای امروزی آن محصول تقسیم جهان به کشورهای مختلف است. همزمان با خروج بورژوازی و مرز و کشور و ناسیونالیسم شکل گرفته و به یک کاتاگوری حقوقی در مناسبات بین المللی موجود تبدیل شده است. تا زمانیکه جهان معاصر به کشورهای متعدد تقسیم شده است، مقوله ای به نام "مهاجر" هم به همراه این تقسیم بندی جهان متأسفانه دارای معنای واقعی و حقوقی است. با از میان برداشتن این تقسیم بندی بورژوازی جهان کنونی این مقوله هم خود بخود معنای خود را از دست خواهد داد.

نگاه ما به این مساله اما یک نگاه عمیقاً انسانی و برابری طلبانه است. "اساس سوسیالیسم انسان است" مستقل از هر تقسیم بندی و هر درجه بندی که جوامع و نظامهای طبقاتی موجود به انسانها تحمیل کرده اند. از نقطه نظر کمونیسم کارگری همه ساکنین هر جامعه ای باید به عنوان شهروندان آزاد، برابر و متساوی الحقوق آن جامعه قلمداد شوند. هیچگونه تبعیض، هیچگونه محدودیتی نباید در حقوق مدنی، شهروندی و سیاسی و با در برخورداری از امکانات رفاهی و اجتماعی جامعه وجود داشته باشد. ما برای برابری همه جانبه و کامل انسانها مبارزه میکنیم. ساکنین هر جامعه ای از نقطه نظر ما باید در حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی و همچنین در وظایف سپرده شده به عهده شهروندان برابر باشند.

از نقطه نظر من در یک جمهوری سوسیالیستی حقوق و وظایف شهروندی مهاجرین تماماً برابرند. ما برای چنین شرایطی مبارزه میکنیم. هیچگونه تمایز و تفاوتی در موقعیت سیاسی و مدنی و اجتماعی میان شهروندان موجود نیست. نه هیچگونه تبعیض مثبت و نه هیچگونه تبعیض منفی. هر شهروندی که دارای تابعیت کشور دیگری است میتواند با

در باره بیانیه حقوق مهاجرین ...

حال تامین حقوق برابر میان انسانها الزاما منوط به ریشه کن شدن ناسیونالیسم و یا راسیسم نیست. مبارزه برای حقوق مدنی و شهروندی برابر مهاجرین و همچنین مبارزه علیه راسیسم اجزاء یک مبارزه عمومی علیه نابرابری سیاسی و مدنی و حقوقی هستند. موقعیت برابر انسانها، خارج شدن بخشهایی از جامعه از موقعیت "حاشیه ای"، یک عنصر تعیین کننده در مبارزه علیه راسیسم و ناسیونالیسم است. و این مبارزه را تقویت میکند. انسانهایی که از موقعیت سیاسی و مدنی برابری در جامعه برخوردارند، نیروی موثری در ریشه کن کردن نابرابری میان انسانها در جامعه هستند.

یک دنیای بهتر: اگر در جامعه آزاد سوسیالیستی هویتها و طبقه بندیهای کاذب امروزی و از جمله هویت مهاجر به معنی حقوق و تعهد جامعه به نیاز شهروند منتفی میشود، چرا باید برای مهاجرین بیانیه حقوق تعریف کرد؟

علی جوادی: با ایجاد و استقرار یک جمهوری سوسیالیستی مساله "مهاجرت" به کلی منتفی نمیشود. مهاجرت پدیده ای است که با تقسیم جهان به کشورها شکل گرفته است و با از بین رفتن این مرزهای کاذب نیز از میان خواهد رفت. اما آنچه در یک جمهوری سوسیالیستی از جانب ما تضمین میشود این است که ما متعهد میشویم که نظام آتی کشور به حقوق و شرایط یکسان انسانها در جامعه پای بند خواهد بود و آن را تضمین خواهد کرد. در یک جمهوری سوسیالیستی پدیده مهاجر کماکان اعتبار دارد. انسانها میتوانند تابعیت کشور دیگری را دارا باشند، اما خواهان اقامت و مهاجرت به یک کشور سوسیالیستی و آزاد باشند. میتوانند مدتی از زندگی خود را در جمهوری سوسیالیستی بسر ببرند اما دارای تابعیت جمهوری سوسیالیستی در ایران نباشند. مثال کوبا مثال گویایی در این زمینه است. بسیاری به کوتاه سفر میکنند. اما شاید به هزار و یک دلیل تابعیت این کشور را نپذیرند.

بیانیه حقوق مهاجرین لازم است. چرا که پرچم یک مبارزه معین در جامعه است. این باینه لازم است چرا

که مساله مهاجرت به یک مساله حاد جامعه در ایران تبدیل شده است. چندین میلیون نفر مورد انواع اذیت و آزار قرار دارند. این وضعیت غیرانسانی باید تغییر کند. بیانیه حقوق مهاجرین پرچمدار این مبارزه است. به صف عظیم انسانهای آزاد و برابر تعلق دارد.

یک دنیای بهتر: و بالاخره آیا این بیانیه دعوتی دارد؟ نیروهای سیاسی و مشخصا جریاناتی که برای رفع تبعیض مبارزه میکنند، آیا باید از این بیانیه حمایت کنند؟ چه باید بکنند؟

علی جوادی: ما از تمامی کسانی که برای برابری میان انسانها مبارزه میکنند، خواهان رفع تبعیض از تمامی شهروندان جامعه هستند، میخواهیم که این بیانیه را در دست بگیرند. میخواهیم آن را پرچم مبارزه علیه تبعیض کنند. از تمامی زنان و مردان آزدیخواه و برابری طلبی میخواهیم که با جدیت بیشتری در این مبارزه به پیش بروند.

ما از تمامی مردم شریف و آزدیخواه دعوت میکنیم که برای پیشبرد مبارزه علیه نابرابری انسانها به میدان بیانند. ما از تمامی انسانها میخواهیم که به گرد این پرچم در دفاع از حقوق مهاجرین و راه حل ما گرد آیند. *

ما برای استقرار یک نظام آزاد، برابر، مرفه، سکولار و پیشرو، برای یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکنیم. برابری کامل و بی قید و شرط کلیه ساکنین ایران، مستقل از تابعیت، محل تولد و یا مدت اقامت در ایران در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی، یکی از ارکان پایه ای جمهوری سوسیالیستی است. ما به صف مقدم مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در جهان امروز تعلق داریم و معتقدیم که برابری حقوقی و شمول یکسان قوانین واحد بر همه، مستقل از جنسیت، ملیت، مذهب، نژاد، عقیده، مرام، شغل، مقام و تابعیت باید بعنوان یک اصل تخطی ناپذیر و محوری در صدر قوانین جامعه اعلام شود.

سرکوب وحشیانه اجتماع امروز معلمان

دستگیریهای گسترده در تهران

باتوم و مشت و لگدپراکنی به سوی تجمع کنندگان اجازه هرگونه تجمع را از معلمان گرفتند. نیروهای امنیتی با آوردن بیش از 100 دستگاه اتوبوس سعی در دستگیری گسترده معلمان داشتند که با هشیاری و عدم مقاومت معلمان و پرهیز از دامن زدن به هیجان، این خواسته سرکوبگران محقق نشد. اما آنچه که معلوم است پر شدن حداقل 2 دستگاه اتوبوس از شرکت کنندگان در تجمع است. تعداد نیروهای انتظامی در خیابان بهارستان و سمیه به حدی بود که راه رفتن در این مراکز، به سختی امکان پذیر بود. نیروهای انتظامی با برخورد وحشیانه با معلمان و مردم، سعی در کنترل اوضاع داشتند که در این میان تعداد زیادی از معلمان معترض و مردم، زخمی و دستگیر شدند. طبق گزارش ارسالی معلمان اعلام کردند هر چقدر بزنند و دستگیر کنند، ما تا گرفتن حقمان به خانه بر نمی گردیم

<http://8march.blogfa.com>

march2007@gmail.com&

بنا به خبر رسیده به ستاد برگزاری 8 مارس امروز 100 نفر از معلمان در شهر ستان قوچان در همبستگی با فراخوان معلمان از ساعت 8 صبح در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع کردند. در این تجمع معلمان به شرایط اسفبار زندگی خود و همچنین بی مبالایی سران رژیم اعتراض کردند. در این تجمع اعتراضی معاون انجمن صنفی استان خراسان رضوی و آقای علی مولوی به خطاب به مسئولین دولتی اعلام کردند ما از این همه بی عدالتی و نابرابری در حیرتیم ما در خیابانها خواهیم ماند تا حق خود را بگیریم و از مردم شهرستان قوچان خواستند تا معلمان و فرهنگیان را حمایت کنند. در میان مردم شرکت کننده صدای اعتراضات زیاد بود. و سران ریز و درشت رژیم را برای زندگی پر از تبعیض و نابرابری به باد ناسزا گرفتند. اواخر تجمع بود که یکی از همین اقزاده ها به نام پهلوان عبداللهی کسی است که انجمن صنفی معلمان را به رسمیت می شناسد می خواست سخنرانی کند. که توسط معلمان و مردم هو شد و مردم محل را ترک کردند.

وعده تجمع بعدی را دادن و امروز تجمع اعتراضی با موفقیتی بی نظیر پایان یافت. *

بنا به گزارش ستاد هشت مارس

ضرب و شتم معلمان توسط نیروهای پلیس

طبق آخرین اخباری که از تجمع صبح امروز معلمان به دستمان رسیده، نیروهای حکومتی سپاه و پلیس اجازه تجمع معلمان مقابل مجلس را ندادند و تقریبا 1000 نیروی ضد شورش پلیس، برای کنترل اوضاع، اطراف مجلس و خیابان بهارستان را محاصره کرده اند. معلمان با دیدن این وضعیت، در قالب یک جمع 2000 نفره به طرف ساختمان اصلی وزارت آموزش و پرورش به راه افتادند. یکی از معلمان در سخنرانی کوتاه خود در مقابل ساختمان آموزش و پرورش، ضمن خواست تحقق وعده های دولت اعلام کرد که ما حقمان را می خواهیم، حق ما حقوق و زندگی امن است نه کتک. مردم خشمگین نیز با فریاد کشاورز، کشاورز از وی حمایت کردند که این کار باعث حمله پلیس و دستگیری سخنران و ضرب و شتم شدید معلمان و مردم شد. طبق گزارش شاهدان، نیروهای پلیس از نارنجکهای صوتی برای متفرق کردن مردم استفاده می کنند.

آخرین خبرها از مقابل مجلس نیز حاکی از برخورد شدید نیروهای پلیس با معترضین است و به گفته شاهدان، با ماشینهای آتش نشانی به روی مردم آب می ریزند.

23 اسفند 85

12.35 ساعت

گزارش 2

حکومت نظامی در تهران!

طبق آخرین گزارش ارسالی از تهران، برخورد شدید نیروهای سپاه و انتظامی با معلمان و مردم تا ساعت 3 بعد از ظهر همچنان ادامه داشته. فضای منطقه خیابان بهارستان (مجلس) تا خیابان سمیه (وزارت آموزش و پرورش) به خاطر حضور پر تعداد نیروهای ضد شورش، به شدت نظامی شده و یک حکومت نظامی اعلام نشده بر قرار است. نیروهای انتظامی با ضربات

۸ مارس آغاز فصلی نوین

۸ مارس ۸۵، تفاوت ها

پس از ۱۶ آذر چپ، سراسری و رادیکال امر سازماندهی ۸ مارس گسترده و رادیکال در دستور جنبش آزادی زن، جنبش آزادیخواهی و کمونیسم کارگری قرار گرفت. تفاوت فضا نسبت به سال گذشته کاملا احساس میشد. از دیماه ده ها وبلاگ سوت آغاز تدارک ۸ مارس را زدند. کاری فشرده و متمرکز آغاز شد. بیانیه ۸ مارس، شعارها و پسترهای ۸ مارس تهیه شد و بر روی وبلاگ ها قرار گرفت. بحث و دیالوگ حول ۸ مارس و شعارهای اساسی آن در میان فعالین جنبش آزادی زن و چپ آغاز شد. ۸ مارس به مساله روز جامعه بدل شد. علیرغم دستگیری و بازداشت های مکرر و دانه، علیرغم مباحث حول خطر جنگ و بمب هسته ای و تحریم، ۸ مارس جایگاه خود را در میان مسائل روز و اصلی از دست نداد. این خود بیانگر یک تحول مهم در جامعه تحت سلطه یک نظام زن ستیز و تا مغز استخوان مرد سالار است، نه جنگ، نه بمب، نه هیچ تهدید "خارجی" و "داخلی" دیگر مساله زن را حاشیه ای نمیکند. مساله زن مساله جامعه است و در ورا تمام نبردها حاضر است.

این یک تحول مهم و بنیادی از دوران اشغال سفارت آمریکا تاکنون است. شاید برای نسل جوان این تحول جنبی و کوچک بنظر رسد، اما برای پیشاتازان با سابقه جنبش آزادی زن این تحول گذر از یک واقعیت دردناک را در خاطر زنده میکند. در پائیز ۱۳۵۹ که ارتجاع حاکم چهار نعل به حقوق مردم یورش میآورد، و در راس آن حقوق زنان را مانند برگ های پائیزی زیر دست و پا له میکرد، جنبش دفاع از حقوق زن تتمه قدرت خود را جمع آوری کرد تا اتحادی را میان جریانات مختلف ایجاد کند و در کنفرانسی در دانشکده پلی تکنیک مساله زن و حقوق زنان را مطرح کند. در آن زمان "مبارزه با امپریالیسم" همه را مست و دچار خلسه کرده بود. اشغال سفارت بر همه چیز سایه انداخته بود. این کنفرانس مهم مورد حمله حزب الله و موضوع بایکوت اغلب سازمان های چپ قرار گرفت. این آخرین حرکت سازمانیافته گسترده جنبش دفاع از حقوق زن برای حدود دو دهه بود.

اکنون اما جامعه متفاوت است. حتی

خطر حمله نظامی، تحریم اقتصادی و بمب هسته ای مساله ۸ مارس و حقوق زنان را حاشیه ای نمیکند. این تحول مهم و بنیادی در جامعه را میتوان در جنبش آزادی زن، در جنبش دانشجویی و در جنبش کارگری مشاهده کرد. در سال ۵۹ جنبش چپ، دانشجویی و کارگری تقریبا یک صدا اعلام میکردند که "حجاب مساله زنان خلق" نیست. اکنون همه به روشنی جایگاه حجاب در اسارت زنان و نقش ارتجاعی آن بعنوان پرچم اسلام سیاسی را درک کرده اند.

دو مولفه مهم تغییر یافته است، جامعه متحول شده است. حدود سه دهه مبارزه، جدل و جدال حقایق مهمی را بطور اجتماعی روشن کرده است، سنت ها را تغییر داده است، پایه های مستحکم شرق زدگی را بشدت لرزان کرده است. این تحولات بویژه به نسل جوان سیما و خصلتی متفاوت داده است. یک فاکتور مهم و تعیین کننده تحول ماهوی جنبش چپ است. چپ کارگری داده است. این خود در متحول کردن جامعه نقشی حیاتی ایفاء کرده است. این دیگر آن چپی نیست که با اشغال سفارت آمریکا خمینی قهرمانش شود. این چپ مارکسی - حکمتی است که اساس سوسیالیسم را انسان میداند. و هر جنبشی را که در مقابل آزادی و برابری سد ایجاد کند ارتجاعی می شناسد. اکنون کمونیسم کارگری به بستر اصلی جنبش چپ در ایران تبدیل شده است و تاثیر آن را بر جنبش آزادی زن، جنبش کارگری و دانشجویی کاملا میتوان مشاهده کرد.

نقش کمونیسم کارگری در سازماندهی یک ۸ مارس تاریخی، گسترده و سازمانیافته بسیار تعیین کننده بوده است.

۸ مارس یک سنت پایدار

از حدود ۸ سال پیش که جنبش دفاع از حقوق زن از لاک خود بیرون آمد و توانست با سازماندهی کنفرانسی بمناسبت ۸ مارس بروزی اجتماعی یابد، تا امروز راه درازی پیموده شده است. از آن پس هر سال جنبش دفاع از حقوق زن در ۸ مارس عرض اندام میکند. ۸ مارس دیگر به یک سنت پایدار در جامعه بدل شده است. جمهوری اسلامی که چند سال پیش کوشید با اعلام هفته زن، بجای روز زن در تولد فاطمه زهرا زنان را از خر شیطان پایین آورد، اکنون دیگر با آماده باش کامل نظامی و برقراری حکومت نظامی اعلام نشده بخصوص در تهران و سنجندج، این دو پایتخت جنبش آزادی زن، با استقبال ۸ مارس

میروند. ۸ مارس بیکی از سردرد های مهم رژیم اسلامی بدل شده است.

این فقط جمهوری اسلامی نیست که دریافته است ۸ مارس یک سنت پایدار و باقی ماندنی در جامعه ایران است، جریانات راست پرو غرب، طرفدار رژیم قدیم نیز بالاچار این واقعیت را پذیرفته اند. تبریكات و پیام های ۸ مارس سازمان های رنگارنگ راست که در آن از آزادی و برابری سخن میگویند، نشانگر تاثیر عمیق جنبش آزادی زن و کمونیسم کارگری است. میتوان حدس زد که برای این سازمان های رنگارنگ راست شیر و خورشیدی، تیریک ۸ مارس، روز جهانی زن سوسیالیستی تا چه حد دردناک است. این بی تردید پیشروی جنبش آزادی زن است.

در دو سه سال اخیر ۸ مارس بتدریج بروزی اجتماعی تر یافته است. گسترده تر و اجتماعی تر برگزار میشود. بجرئت میتوان اعلام کرد که اکثریت مردم ۸ مارس را میشناسند. امسال اما تغییر کیفی را شاهد بودیم. امسال ما شاهد بزرگداشت هفته ای ۸ مارس بودیم. جنبش دانشجویی بهمره جنبش آزادی زن در دانشگاه های مختلف ۸ مارس را گرمی داشت. شعارهای "آزادی و برابری!" "رهایی زن، رهایی جامعه است!" "آزادی زن معیار آزادی جامعه است!" "تبعیض جنسیتی و تفکیک جنستی ملغی باید گردد!" "سنگسار نماد بربریت است!" و "آزادی پوشش!" در تمام این مجامع بچشم میخورد.

روز ۸ مارس جامعه ملتهب بود. اعتراض گسترده معلمان با ۸ مارس درآمیخت. اطلاعیه های مراسم ۸ مارس در مقابل دانشگاه تهران در میان معلمین وسیعا پخش شد و صحبت از پیوستن به این مراسم در این تجمع بزرگ شنیده میشد. نیروهای سرکوب از ساعاتی پیش از تهران و پارک دانشجو را غرق کردند. هزاران نفر در دور و بر دانشگاه جمع شدند. هر کسی که سعی میکرد شعار دهد را درون خودروهای نظامی میانداختند. حدود ۲۰-۲۵ نفر را در حول و حوش دانشگاه و میدان ولیعصر دستگیر کردند. مردم بطرف میدان محسنی رفتند. تجمع وسیعی در آنجا شکل گرفت. نیروهای سرکوب آن تجمع را نیز سرکوب کردند. در میدان بهارستان ۲۰۰-۳۰۰ نفر از مدافعین حقوق زن تجمع کردند تا به دستگیری

فعالین حقوق زن اعتراض کنند. آنها هم سرکوب شدند.

در این روز تجمع کنندگان ۸ مارس موفق نشدند پلاکاردهای خود را بلند کنند. پلاکاردهایی که بر آنها نوشته شده بود: "ستم بر زن موقوف!" "حجاب نه!" "آپارتاید جنسی نه!" "زنده باد آزادی زن"، از دانشگاه تهران به میدان محسنی حمل شد. قطعهنامه شان را نتوانستند در مقابل دانشگاه با صدای بلند بخوانند. اما ۸ مارس لرزه به اندام رژیم زن ستیز انداخت. برای مقابله با آن حکومت نظامی برقرار کرد. دستگیر کرد. کتک زد. و مهر ۸ مارس، مهر آزادیخواهی و برابری طلبی بر جامعه کوبیده شد.

در شهرهای سنجندج، کامیاران، میروان، سقز و سردشت و اصفهان نیز مراسم ۸ مارس برگزار شد. اخبار ۸ مارس گسترده، اجتماعی و رادیکال ایران زیر سلطه حکومت اسلامی به جهان مخابره شد و اشک شادی به چشمان تمامی آزادیخواهان و برابری طلبان آورد.

به این ترتیب جنبش آزادی زن وارد فصل نوینی از حیات خود شد. اتحاد و انسجام بسیار بالاتری را به نمایش گذاشت. پیوند جنبش آزادی زن با جنبش چپ کاملا عیان و روشن بود. یکی از صحنه های با شکوه آن مراسم ۸ مارس در دانشگاه تهران مقابل دانشکده حقوق در روز ۸ مارس بود که شعارهای "تبعیض جنسیتی، تفکیک جنسیتی ملغی باید گردد!" "برای رفع تبعیض ای سوسیالیست بیا خیز!" را برافراشته کرد. سرود انترناسیونال خوانده شد و عکس های منصور حکمت بدست طرفداران جنبش آزادی زن بلند شد.

سازمان آزادی زن در چند ماه گذشته بطور فشرده و خستگی ناپذیر برای یک ۸ مارس گسترده و رادیکال تدارک دید. بطور فشرده و متمرکز فعالیت هماهنگ و نقشه مندی را در دستور گذاشت. تلاش کرد که ۸ مارس را به اعماق جامعه ببرد و در تماس و هماهنگی با فعالین جنبش آزادی زن این روز را به یک روز تاریخی بدل کند. برنامه های زنده تلویزیونی تهیه و پخش کرد. به این ترتیب ۸ مارس را بخانه میلیون ها نفر برد. در هفته ۸ مارس ستادی را سازمان داد تا کلیه اخبار را لحظه به لحظه منتشر و منعکس کند. و سریعا اخبار ۸ مارس را در سطح بین المللی

درمورد نقض مکرر موازین حزبی توسط رفقای فراکسیون اصغر کریمی، رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران

اعضای فراکسیونی که خود را "اتحاد کمونیسم کارگری" مینامد در نوشته ها و جلسات شفاهی شان ادعا میکنند که موازین حزبی را نقض نکرده اند. این ادعا تماما بی پایه است. هر کس نوشته ها و گفته ها و فعالیت های رفقا و بطور مشخص چند نفر از اعضای بنیانگذار فراکسیون را دنبال کرده باشد، نمونه های زیادی از زیر پا گذاشتن پایه ای ترین اصول حزبی را مشاهده کرده است. مهمترین این موارد چنین است:

انتشار علنی اسناد درونی کمیته مرکزی. رفقا دنبال پلنوم سندی را که هنوز حتی مشاورین کمیته مرکزی و کادری حزب هم از آن مطلع نبودند علنی کردند. و بعد از یادآوری و انتقاد، شان بالا انداختند و خطای آشکار خود را توجیه کردند. این زیر پا گذاشتن آشکار موازین حزب است.

تبلیغ علیه سیاستهای مصوب کمیته مرکزی. رفقا علیرغم قرارهای اکید حزبی، علیه مصوبات کمیته مرکزی، که خود عضو آن هستند، دست به تبلیغ میزنند. یک تم اصلی بحثهای رفقا در نشریه شان نقد و مخالفت با مصوبات پلنوم اخیر است. رفقا استدلالات و دلایل خود علیه این اسناد را در پلنوم مطرح کردند و اکثریت قاطع کمیته مرکزی آنرا نپذیرفت و اکنون رفقا همین بحثها را در جامعه ادامه میدهند. اعضای یک کمیته مجاز به تبلیغ علیه مصوبات کمیته متبوعه خود نیستند. حزب سازمانی برای اجرای سیاستها و نقشه عملهای مصوب است و نه کلویی برای بحثهای بی انتها در مورد آنها!

القای شبهه و شائبه پراکنی و افترا زنی علیه ارگانهای رهبری حزب.

کمیته مرکزی را موظف به رعایت آن میکند، زیر سؤال برد.

تبلیغات امروز رفقا در همان جهتی است که قبلا اسماعیل مولودی (نوید بشارت) پرچم آنرا با لجن پراکنی های تهوع آورش علیه حزب بلند کرده بود. اکنون بر همه روشن میشود که برخوردهای حمایت آمیز و توجیه گرانه بعضی از رفقای تشکیل دهنده فراکسیون به عملکرد ضد حزبی اسماعیل مولودی و تمجیدها و به عرش اعلی رساندنهای او یک موضع حقوقی نبوده است، بخاطر عشق به حقوق فردی و دفاع از برانیت و حرمت افراد نبوده است، بلکه از یک موضع سیاسی مشترک نشات میگیرد. آنچه رفقا امروز علیه حزب میگویند و بر قلم جاری میکنند، از نظر مضمون فرق چندانی با لجن نامه های اسماعیل مولودی ندارد.

رفقا به عبث سعی میکنند تبلیغ علیه حزب، تصویر منفی دادن از حزب و سازماندهی پراکنی مجزا و متفاوت از حزب در جامعه را بیان اختلاف سیاسی معرفی کنند! این توجیهاات آشکارتر از این است که هر کس آشنائی اندکی با کار تشکیلاتی در یک حزب و حتی در یک سازمان فعالیت جمعی داشته باشد بپذیرد. هر ناظر بیطرفی که فعالیت و نوشته های رفقا را دنبال کند تقابل هرروزه سیاسی و تشکیلاتی رفقا با حزب و ضربه زدن آنها به حزب را بعین مشاهده میکند. این ادعا که موازینی را نقض نکرده اند، به یک شوخی شبیه است. در حزب کمونیست کارگری بیش از هر سازمان سیاسی در طول تاریخ جامعه ما امکان بیان نظرات و اختلافات سیاسی وجود دارد اما تبلیغ روزمره علیه سیاست های حزب توسط کادرهای آن، بطریق اولی اعضای کمیته مرکزی آن، مجاز

نیست. افترا زنی و شائبه پراکنی مجاز نیست. درست کردن حزب در حزب مطلقا مجاز نیست. حزب "تعدد عمل" قابل تحمل نیست، و ممکن هم نیست.

رهبری حزب تا این لحظه از هرگونه برخورد انضباطی به این رفقا، علیرغم همه موارد متعدد نقض موازین حزبی توسط آنها، خودداری کرده است. رهبری حزب امیدوار بود که مساله را سیاسی نگهدارد و سیاسی حل کند و از هیچگونه تلاشی در این راستا خودداری نکرد. در آخرین پلنوم کمیته مرکزی، پلنوم ۲۷، نیز حمید تقوایی راهی اصولی برای کار متحد حزبی در مقابل آنها گذاشت اما متاسفانه رفقا این فرصت را هم از دست دادند.

رهبری حزب فراکسیون را به رسمیت نمیشناسد، اما از هر نوع برخورد انضباطی بخاطر ایجاد فراکسیون خودداری کرده و خودداری خواهد کرد و اینرا بارها اعلام کرده است. اما نقض موازین حزبی و افترا زنی و تبلیغات جنگ سردی علیه حزب را، که نمونه هایش فوقا ذکر شد، از جانب هیچ عضو و کادر حزب تحمل نمیکند. حزب اجازه نمیدهد بیش از این پرنسیپهای حزبی زیر پا گذاشته شود.

حزب رسماً از این رفقا میخواهد که به فعالیتهای ضد حزبی و ضد موازین و اصول حزبی سرعاً پایان دهند. ادامه وضعیت کنونی و فعالیت تخریبی رفقا علیه حزب نه بیش از این قابل تحمل است و نه به نفع خود آنها است.

اصغر کریمی

رئیس هیئت دبیران حزب کمونیست کارگری ایران

۱۱ مارس ۲۰۰۷

ادعا نامه پدر دلارا دارابی ...

وجدانهای آگاه میخواهم که کمک کنند، دلارا آزاد شود. دلارا فقط یک نمونه است هزاران مثل دلارادر زندانها هستند.

دختر من در زندان هم جانش در خطر است. بارها و بارها نامه نوشتم و خواهان بهبود شرایط و استاندارد زندان شدم، جواب سربالا گرفتم و با به من هم توهین کردند. من خواهان انتقال دخترم به یک زندان دیگر هستم. به این خواست کوچک هم وقعی نمی نهند. دلارا میگوید در این زندان راه رفتن من، خوراک خوردن من، نقاشی کردن و حرف زدن و خوابیدن من با توهین و عکس العمل زشت روبرو میشود. در اینجا برای ۲۰۰ نفر یک توالت داریم و اعتراض به این وضع با مجازات روبرو میشود. آیا این وضع برای یک جوان ۲۰ ساله قابل تحمل است؟

ما الان اجازه نداریم یک وعده غذایی خوب به دخترم برسانیم و آخرین ملاقاتی که ما با دلارا داشتیم او از بوسیدن مادرش امتناع کرد و میگفت، اینجا پر از میکروب است. نمیخواهم بیماریهای احتمالی را که گرفته ام به شما منتقل کنم. با دیدن این اوضاع و با شنیدن اخبار رفتار غیر انسانی با دخترم، شبها خواب ندارم. من پدر دلارا دارابی سه سال است که زندگیم بر باد رفته است. کار و کاسبی را ول کرده ام و افتاده ام دنبال این پرونده. برای اجرای حق و عدالت و دفاع از انسانیت. من در این کارها از وجدان دفاع میکنم و از حق و عدالت. به من و به ما کمک کنید تا عدالت را اجرا کنیم. در اینجا بویی از عدالت و انسانیت نیست. این نامه دردناک و موثر پدر دلارا دارابی بود. کمیته بین المللی علیه اعدام از همه نسانهای آزاده و معترض به اعدام در ایران و در دنیا دعوت میکند، به این اوضاع اعتراض کنند.

حقیقت ندارد!

در پاسخ به اتهامات علیه فراکسیون

نامه رفیق اصغر کریمی، رئیس هیات دبیران حزب، تحت عنوان "در مورد نقض مکرر موازین حزبی توسط رفقای فراکسیون" متأسفانه حاوی یک سری اتهامات بی پایه علیه رفقای فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری در انظار جامعه است. این نامه فاقد هرگونه دلیل و سندی مبنی بر اتهامات متعدد وارد شده است. در هیچ مرجع حزبی این اتهامات اثبات نشده اند. در هیچ مرجعی به رفقای فراکسیون حق دفاع از خود در مقابل این اتهامات داده نشده است. از قرار "فراکسیونی" که اکنون رهبری اجرایی حزب را در دست دارد لزوم چندان برای ارائه دلیل و مدرک و رعایت مقررات و ضوابط شناخته شده در برخورد به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری نمی بینند!

در این نامه یک سری اتهام بدون ذکر کوچکترین مدرکی ردیف شده اند تا با جلوه دادن "تخطی" رفقای فراکسیون خواننده را "مجاب" کنند که باید اقدامی انضباطی علیه رفقای فراکسیون این بار بصورت فردی و تک به تک انجام داد. این ارکان سیاست اعلام شده در این نامه است. این نامه با لحنی غیر رفیقانه و آمرانه نگاشته شده و عملاً رفقای فراکسیون را "تهدید" کرده است. این شیوه ها از نقطه نظر ما کمونیستی نیست و ما همچنانکه بارها اعلام کرده ایم از این شیوه ها دوری میکنیم.

قبل از ذکر برخی نکات به منظور کنار زدن گرد و خاکهای ایجاد شده یاد آوری میکنیم که در "یک دنیای بهتر" برنامه حزب کمونیست کارگری و همچنین قرارهای انضباطی حزب تاکید شده است که ایراد اتهام جرم است و فرد و ارگان وارد کننده اتهام حداقل باید رسماً و در پیشگاه حزب از افراد مورد نظر عذر خواهی کند. همچنین ایجاد پیشداری عمومی نسبت به افراد و فضا سازی ممنوع است. ما یکبار دیگر اعلام میکنیم که به اصول سازمانی و مقررات حزبی پایبندیم. در مبارزه برای غلبه بخشیدن به پلانفرم و خط مشی خود و تبدیل حزب کمونیست کارگری به حزب "سازمانده - رهبر" تماماً بر مبنای و روشهای اصولی سنت و مقررات کمونیسم کارگری تاکید میکنیم. این

مقررات را به نفع اصولیگری حزبی خود میدانیم و نفی و زیر پا گذاشتن مقررات حزبی را چه از جانب فراکسیون و چه از جانب رهبری حزب، مغایر مصالح عمومی حزب و فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری میدانیم. در ادامه به ذکر نکاتی پیرامون اتهامات وارد شده به فراکسیون می پردازیم:

۱- "انتشار علنی اسناد درونی کمیته مرکزی": ما متهم شده ایم که اسناد درونی کمیته مرکزی حزب را بدون مجوز منتشر کرده ایم. همانطور که قبلاً ذکر کردیم ما هیچ سند داخلی حزب را علناً و بدون مجوز منتشر نکرده ایم و نخواهیم کرد. انتشار نتیجه رای گیری در مورد قرار "برسمیت نشناختن" فراکسیون کاملاً بر مبنای توصیه رسمی دبیر کمیته مرکزی در پلنوم ۲۷ صورت گرفت. رفیق حمید تقوایی اعلام کرده بود که این قرار علنی است. اعلام کرده بود که ما میتوانیم به بحث پیرامون آن پردازیم. بعلاوه خود رهبری حزب بعداً کل مباحثات پلنوم ۲۷ و همچنین پروسه رای گیری ها را تماماً علنی کرد و از ابتدا قرار بود که چنین کنند. ما این روش را که رفقای رهبری حزب توافقات اعلام شده خود را مبنای ایراد اتهام بعدی به فراکسیون میکنند، اصولی نمیدانیم. درسی که ما آموخته ایم این است که هیچ توافق شفاهی را نپذیریم. همه توافقات باید کتبی باشند.

۲- به ما "یاد آوری" شده است که **حزب کلوپ بحث نیست**. ما نه تنها معتقد هستیم که حزب کلوپ بحث نیست، بلکه عمیقاً معتقدیم که حزب باید از یک جریان افشاگر و مبلغ و مروج به یک حزب سازمانده و رهبر اعتراضات اجتماعی تبدیل شود. یک انتقاد جدی ما به رهبری کنونی حزب عدم توجه به این جنبه از کار و فعالیت حزبی است که متأسفانه باعث شده است حزب نتواند نقش کلیدی و شایسته خود را در اعتراضات جاری ایفا کند. این گوشه ای از انتقاد ما به خط مشی کنونی حاکم بر حزب است. انتقاد ما را به طرف خودمان پرتاب کردن کار جالبی نیست.

۳- "القای شبهه و شائبه پراکنی و افترا زنی علیه ارگانهای رهبری حزب": ما هرگز حقانیت و مشروعیت

ارگانهای رهبری حزب را مورد تردید قرار نداده ایم. این یک اتهام آشکار علیه ماست. ما در بیانیه خود که پس از پلنوم ۲۷ صادر کردیم ذکر کردیم که اقدام پلنوم بمنظور کنار گذاشتن ما از ارگان دفتر سیاسی "اقدامی سازمان یافته" بود. اقدامی بود که از پیش از برگزاری انتخابات دفتر سیاسی پیرامون آن بحث صورت گرفته بود. خوشبختانه نوار پلنوم ۲۷ در دسترس همگان است و میتوان مشاهده کرد که چگونه رفقای خواهان اخراج ما میشوند، چگونه رفقای از پلنوم میخواهند که به هیچکدام از اعضای اعلام کننده فراکسیون رای ندهند. ما شاهد فضای حاکم بر پلنوم بودیم، دبیر که چگونه حتی از پیش از انتخابات اعلام میشد که هیچکدامتان به دفتر سیاسی نخواهید رفت. آیا رفقای کنونی رهبری حزب چنین اقدامات و فضایی را انکار میکنند؟ آیا اذعان به این که نتیجه انتخابات دفتر سیاسی از پیش در مورد ما روشن بود، اقدامی جهت "القای شبهه و شائبه پراکنی و افترا زنی علیه ارگانهای رهبری حزب" است؟ در عین حال ما تصریح کردیم که هیچ ایراد حقوقی به نتیجه انتخابات نداریم. اسناد کتبی و شفاهی ما همه قابل مراجعه هستند.

۴- "تبلیغ علیه سیاستهای مصوب کمیته مرکزی": ما تنها یک مصوبه رسمی کمیته مرکزی حزب را نقد کرده ایم. در این مورد هم از دبیر کمیته مرکزی رسماً در پلنوم اجازه گرفتیم. این به هیچ وجه به معنای نقض هیچ مقررات حزبی نیست. یاد آوری میکنیم که در قرار ۱۳۱ بندی وجود دارد که به افراد اجازه میدهد که با اجازه از کمیته مربوطه این امکان را داشته باشند که بطور علنی به نقد و اظهار نظر پیرامون یک مصوبه کمیته ای که در آن عضو هستند، پردازند. مطالعه دقیقتر این سند را به همه رفقا توصیه میکنیم. ما از این ماده قانونی استفاده کردیم. این نکته را با دبیر کمیته مرکزی در پلنوم ۲۷ در میان گذاشتیم. گفتیم که خواهان استفاده از این ماده قانونی بمنظور نقد علنی برخی تزه های غیر کمونیستی این قطعنامه هستیم و ایشان گفتند که "روشن است که میتوانیم نقد کنید" و تنها "تاکیدی بر ملاحظات امنیتی" داشتند. ثانیاً ما اعضای یک فراکسیون اعلام شده هستیم. یک رکن انکار ناپذیر ایجاد هر فراکسیونی مخالفت با برخی مصوبات و قطعنامه های رسمی حزب است. آیا این اصل بدیهی وجود یک فراکسیون را نیز رفقای ما انکار میکنند؟

۵- "تبلیغات جنگ سردی علیه حزب و کمونیسم": این یک اتهام بسیار سنگین علیه فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری است. ظاهراً این رفقای عزیز ما هستند که نمیدانند که دست به چه مخزن تبلیغاتی برده اند. ذکر چند نکته حیاتی است. رفقای عزیز! تبلیغات جنگ سردی به آن دسته از تبلیغاتی اطلاق میشود که گناه کمونیسم روسی و تجربه تلخ استقرار سرمایه داری دولتی در شوروی و شکست انقلاب اکبر و مشخصاً اقدامات استالین را به پای کل کمونیسم مینویسند. "کمونیسم را معادل دیکتاتوری و خشونت و استبداد" قلمداد میکنند. مدعی میشوند که همه کمونیستها از یک جنس و یک قماشند. استقرار کمونیسم را معادل تکرار تجربیات دردناک و مصائب عظیم مردم در پروسه ظهور و استقرار یک بوروکراسی عظیم و ماشین نظامی متکی بر اقتصاد سرمایه داری دولتی میدانند و آن را به پای سایر کمونیستها مینویسند. ثانیاً نیرویی این تبلیغات را مبنای فعالیت دستگاه تبلیغاتی خودش میکند که در همه جا یا با کودتا و آدمکشی سر کار آمده یا با همین روشها سر کار مانده است. نیرویی که صدها هزار نفر را در عرض چند ثانیه به خاکستر تبدیل کرده است.

نقد برخی سیاستهای غلط تشکیلاتی و بعضاً غیر کمونیستی حزبی خط حاکم بر حزب را نمیتوان تبلیغات جنگ سردی نامید. بی تناسب است. هر گردی گردو نیست. ما روش غیر اصولی شما در برخورد به فراکسیون را نقد کرده ایم. ما فضا سازی را نقد کرده ایم. ما مغایرت این روشها را با سنت کمونیسم منصور حکمت و زیر پا گذاشتن مقررات حزبی را نقد کرده ایم. ما سیاست اعلام شده برخی از افراد رهبری کنونی حزب را مبنی بر "تسویه حساب" با ما را "جراحی تشکیلاتی" نامیدیم. و اعلام کردیم که جراحی تشکیلاتی راه حل نیست. گرد و خاک هم لازم نیست. به جای این برخوردها بهتر است که سیاستهای اعلام شده و "ماجرایوبی های" برخی از رهبری حزب را که تصویری غیر اصولی از عملکرد ارگانهای رهبری حزب به جامعه ارائه میدهند نقد کرد. این اقدامی اصولی تر است.

۶- "فعالیت سیاسی مغایر و مخالف با

حقیقت ندارد ...

سیاستهای مصوب حزب در جامعه. این نقض بارز حزبیت، و حزب در حزب ساختن است. نمیتوان تحت عنوان فراکسیون شروع به فعالیت سیاسی مستقل در جامعه کرد. ما تحت عنوان فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری هیچ فعالیت مستقل سازمانی را دنبال نمیکنیم. و ای کاش در این زمینه بر عدم اطلاع دقیق خوانندگان این نامه از جزئیات فعالیتهای ارگانهای حزبی حسابی باز نمیشد. در پاسخ باید بگوئیم که ما نقد میکنیم. نشریه منتشر میکنیم. بیانیه صادر میکنیم، و خط سیاسی فراکسیون را روشن میکنیم. همانطور که فراکسیون کمونیست کارگری منصور حکمت چنین میکرد. الگوی کار و فعالیت ما فراکسیون کمونیسم کارگری منصور حکمت است که عضو رسمی آن بودیم. این اسناد موجودند. مطالعه دقیق آن را به همه علاقمندان توصیه میکنیم. اتفاقا ما با ایجاد فراکسیون حتی محدودیتهایی را در فعالیت کمونیستی خود بخاطر موقعیت فراکسیونی مان پذیرا شدیم. ما بارها اعلام کرده ایم که فعالیتهای عملی و سازمانی خود در این دوره را از کانال پروژه هایی که در آن درگیر هستیم، علاوه بر فعالیت عمومی حزبی مان، دنبال کرده ایم. این سیاست را از ابتدا در سمینارهای خود توضیح دادیم. هم اکنون هم برخی از رفقا از کانال "مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم"، برخی از کانال "سازمان آزادی زن" و همچنین برخی از طریق برنامه های تلویزیونی "برای یک دنیای بهتر" و نشریه "برای یک دنیای بهتر" فعالیت میکنند. این نهادها بجز نشریه یک دنیای بهتر تماما نهادهای رسمی و شناخته شده ای هستند و پیش از ایجاد فراکسیون نیز موجود بوده اند. ما همانطور که قبلا نیز اعلام کردیم میخواهیم با راه اندازی پروژه "علیه فقر" برخی اقدامات عملی را نیز در این زمینه به پیش ببریم. بار دیگر بمنظور جلوگیری از برخی سوء تفاهمات آتی اعلام میکنیم که "علیه فقر" یک پروژه جانبی و شخصی برخی از رفقای ماست. و در هیچ

ارگان حزبی نظری قطعی پیرامون آن چه له و علیه آن در زمان اعلام صادر نشده بود. ما رسماً اعلام میکنیم که هیچ ارگان موازی ارگانهای حزبی ایجاد نکرده ایم و نخواهیم کرد. ما از تمامی رفقای رهبری برای شرکت در جلسات فراکسیون و مشاهده شیوه و عملکرد فعالیت فراکسیون رسماً دعوت میکنیم.

۷- "تبلیغات امروز رفقا در همان جهتی است که قبلاً اسماعیل مولودی (نوید بشارت) پرچم آنرا با لجن پراکنی های تهوع آورش علیه حزب بلند کرده بود. اکنون بر همه روشن میشود که برخوردهای حمایت آمیز و توجیه گرانه بعضی از رفقای تشکیل دهنده فراکسیون به عملکرد ضد حزبی اسماعیل مولودی و تمجیدها و به عرش اعلی رساندنهای او یک موضع حقوقی نبوده است، بخاطر عشق به حقوق فردی و دفاع از برانت و حرمت افراد نبوده است، بلکه از یک موضع سیاسی مشترک نشأت می گرفته است."

این یک اتهام زشت به فراکسیون و رفقای تشکیل دهنده آن است. نظرات ما در زمینه اقدامات و تبلیغات ضد کمونیستی نوید بشارت روشن و ثبت شده است. اطلاعیه حزب علیه نوید بشارت را ما به رشته تحریر در آوردیم. آیا رفقای رهبری کنونی انکار میکنند؟ نقد ما به اظهارات اسماعیل مولودی در استعفا نامه ایشان کاملاً روشن و دقیقاً مکتوب موجود است. چه منفعتی این چرخش امروزی موضع رفقا را بیان میکند؟ برای ما واقعا جای تعجب و تاسف است؟! میتوان سیاسی بود، میتوان سیاستهای ما را نقد کرد. میتوان برخورد اصولی کرد. ما همانطور که بارها اعلام کرده ایم از نقد اصولی نظراتمان استقبال میکنیم. اما توصیه میکنیم که از این روشهای شناخته شده چپ سنتی پرهیز کنید. این تبلیغات شایسته حزب ما نیست.

۸- ما را متهم کرده اید که نقطه نظرات ما پیرامون اصل بر برانت

متهم است، پوششی برای دفاع از نظرات نوید بشارت و اسماعیل مولودی بوده است! ما از انگیزه شناسی و کنکاش ذهنی انسانها منزجریم. لطفا چنین سیاستهایی را در مخالفت با ما در حزب جاری نکنید. دون شان کمونیسم کارگری است. ما میدانیم که همواره جریانات دست راستی سیاست مدافعی لغو مجازات اعدام را مترادف با دفاع از مجرمین و جنایتکاران قلمداد میکنند! اما رفقا این سیاست را شایسته شما نمیدانیم. برای تک تک شما رفقای عزیزمان ارزش و احترام بسیار بسیار بیشتری از این سطح قانونیم.

۹- گفته اید: "اما نقض موازین حزبی و افترا زنی و تبلیغات جنگ سردی علیه حزب را، که نمونه هایش فوقاً ذکر شد، از جانب هیچ عضو و کادر حزب تحمل نمیکند. حزب اجازه نمیدهد بیش از این پرنسیپهای حزبی زیر پا گذاشته شود:"

همانطور که اشاره کردیم ما نه تنها هیچ مقررات حزبی را نقض نکرده ایم بلکه به اصول سازمانی حزب عمیقاً پایبندیم. ما نه تنها بر خلاف شما هیچ مقررات حزبی را زیر پا نگذاشته ایم بلکه مدافع آنها هستیم. ما اعلام میکنیم که هدف این "فراخوان" تلاشی برای ایجاد جوی ضد فراکسیون و عملاً مغایر با موازین حزبی است. این یک فراخوان به تحریک علیه بخشی از حزب است. در چنین فضایی نه اجازه داده میشود که به بحث منطقی و سیاسی پرداخت و نه اجازه داده میشود که اعضا و کادرهای حزب با علل و مسائل واقعی مورد اختلاف کاملاً آشنا شوند. این چنین فراخوانهایی دردی از سوالات واقعی ما دوا نمیکند. هیکدام ما مجاز نیستیم وارد این فضا بشویم. ما صمیمانه هشدار میدهیم که چنین فضاهایی نمیتواند زیر پا گذاشتن برخی نرمها و سنتهای شناخته شده کمونیسم کارگری را "مشروع" جلوه دهد.

در خاتمه

ما یکبار دیگر اعلام میکنیم که اعلان فراکسیون که میتوانست با برسمیت شناسی و برخورد اصولی و ایجاد فضای سالم و سیاسی پیرامون خط مشی ها و پلانفرم های موجود به رشد و گسترش موقعیت حزب تبدیل شود، به علت برخورد نادرست و غیر قابل باور رهبری حزب به یک تنش درون حزبی تبدیل شد. رفقای عزیز ما فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری را برسمیت نشناختند اما عملاً به صورت یک فراکسیون اعلام نشده در مقابل فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری عمل کردند. ما این حق شما را برسمیت میشناسیم، هرچند متأسفانه شما چنین عمل نکردید.

جامعه نمونه های "درخشان" مبارزه "سیاسی و کمونیستی" را در نشریه "جدل" دیده است. لازم به توضیح بیشتر نیست. همگان دیده اند که چگونه برخی از کمونیستها و اعضای رهبری حزب مورد انواع اتهامات زشت قرار گرفته اند. ما را متهم به "مک کارتیست" که یک جنایتکار شناخته شده است کردید. ما را متهم به "ضد کمونیست"، "جنگ سردی" و "باند منحط ضد حزبی" کردید. به ما گفتید که "بهتر است یک شغل شرافتمدانه پیدا کنیم". این اتهامات را میتوان ادامه دهید. ما همانطور که اعلام کرده ایم وارد این مسابقه نخواهیم شد. لحن جدل را تغییر دهید! جلوی دادن تصویر نازل از حزب به جامعه را بگیرید.

ما خط مشی چپ سنتی حاکم بر بخشی از رهبری حزب و سیاستهای تشکیلاتی ناشی از آن را میشناسیم. در مقابل تلاش میکنیم که سنت کمونیستی منصور حکمت را زنده نگهداریم.

فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

۱۳ مارس ۲۰۰۷

۸ مارس آغاز فصلی نوین... منعکس کرد. سازمان آزادی زن و جنبش چپ و کمونیسم کارگری موفقیت ها و پیشروی های بسیاری در این ۸ مارس بدست آوردند. در اینجا باید دست تک تک فعالین را فشرد و به آنها تبریک گفت.

اما این دستاوردها هنوز بسیار ناکافی است. باید بکوشیم اتحاد و انسجام جنبش آزادی زن را صد چندان کنیم. باید رهبری واحدی را بر جنبش آزادی زن اعمال کنیم. باید کلیه فعالین و رهبران عملی جنبش آزادی زن را زیر یک چتر گرد آوریم. باید با صدایی متحد و صفی منسجم و یکپارچه به جنگ رژیم اسلام برویم. پیروزی جنبش آزادی زن تنها با سرنگونی رژیم اسلامی امکان پذیر است. برای این نبرد باید اتحاد و انسجام و رهبری متحد تر و متشکل تری بدست آوریم. این وظایف در پیشروی ما قرار دارد. باید سریعاً و متمرکز دست بکار رفع این موانع شویم. باید بر روی دستاوردهایمان یک جنبش وسیع، توده ای و قوی آزادی زن بسازیم. "انقلاب آتی ایران میتواند انقلابی زنانه باشد!" این جمله منصور حکمت ما را در امر سازماندهی جنبش آزادی زن مستحکم تر و قاطع تر میکند. کمونیسم کارگری نقشی مهم و تعیین کننده در این میان ایفاء میکند. این رسالت را باید بازشناخت و برای تحقق آن متحدانه کوشید. زنده باد آزادی زن!

حمایت و پیوستن به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

حمایت انجمن جوانان

آزادی خواه تهران

از فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری
رفقا!

ما جوانان کمونیست و آزادیخواه مدتی است که پیگیر چگونگی برخورد رهبری حزب کمونیست کارگری با رفقای که منتقد عملکرد رهبری حزب هستند می باشیم و متأسفانه با دوگانگی در عمل و برنامه رفقای رهبری، که کما بیش ما را به یاد کمونیست های سنتی می اندازد، مواجهه می شویم.

برای آگاهی از چگونگی نظرات ما به نکاتی چند در زیر اشاره میروم:

۱- عدم تواضع سیاسی و به نظر استحکام تئوریک رهبری حزب در مواجهه با نظرات فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری (که خود از بدنه حزب و بیشتر دفتر سیاسی بوده اند). و برخلاف نظرات و سنت حزبی منصور حکمت راه ندادن به اظهار نظر و مباحث افرادی که منتقد عملکرد رهبری حزب هستند.

۲- عدم استقبال از نظرات دیگر و به عقب رانده شدن اصل نگرش انتقادی در حزب.

۳- گرایش روزافزون به خوش بینی های سیاسی کاذب.

۴- عدم برخورد مناسب با رفقای که به طور علنی اعلام فراکسیون نموده و حتی بر خورد های شتاب آلود و نسنجیده علیه این رفقا. ما نگران تداوم این روند هستیم.

۵- برای حزب میسر و طبیعی بود که با در اختیار قرار دادن رسانه های حزب این امکان را را برای رفقای که منتقد ارگان های حزبی (حتی رهبری) هستند، فراهم کرد که از نظرات خود دفاع کنند و به این طریق حزب را نیرومند تر ساخت. اما متأسفانه روند تا کنونی فقط و فقط تهاجم علیه رفقای بوده که در قالب فراکسیون به ایراد دیدگاه خود پرداخته اند.

ما جوانان کمونیست و آزادی خواه تهران در جهت تحکیم پایه های کمونیسم کارگری در ایران و به طبع آن حزب کمونیست کارگری ایران

برخورد های تاکنونی با رفقای فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری را اشتباه ارزیابی کرده و رفقای رهبری و دفتر سیاسی جدید را به پرهیز از برخورد های غلط با نظرات انتقادی فرا می خوانیم.

ما در این شرایط پیوستن خود را به رفقای فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری اعلام می کنیم.

انجمن جوانان آزادی خواه تهران

۲۰ اسفند ۱۳۸۵

به: حمید تقوایی

رونوشت به: فراکسیون حزب کمونیست کارگری ایران

از: مجید عباسی و محمد مظلوم
اعضای حزب در آلمان

تاریخ: ۱۱ مارس ۲۰۰۷

با سلامهای رفیقانه و خسته نباشید

رفقا ما مباحث اخیر در حزب، مباحث فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری و برخورد به فراکسیون را با علاقه دنبال کرده ایم. در شماره اخیر جوانان کمونیست و همچنین در نشریه برای یک دنیا بهتر نامه ای از منصور حکمت در مورد فراکسیون بچاپ رسیده است. نامه منصور حکمت هر چند نامه کوتاه است اما گواهی است بر برخورد اصولی و پایبندی به موازین حزبی و اصول برنامه ای. متأسفانه ما تاکنون کمتر شاهد برخورد اصولی و منطقی از رفقا بودیم. نگاهی به جدل آنلاین نشان می دهد که رفقا متوجه عمق قضیه نیستند و بقول منصور حکمت دارند تیر را به پای خود می زنند. بدنبال مطالعه و تعمق بسیار ما تصمیم گرفتیم به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری بپیونیم. امیدواریم رهبری حزب کمونیست کارگری با درایت بیشتر و در عین حال با احساس مسئولیت بیشتری به سرنوشت حزب و سرمایه حزب کمونیست کارگری ایران برخورد کند.

شاد و موفق باشید

مجید عباسی و محمد مظلوم

با فریاد زنده باد انقلاب

به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری می پیوندم!



که نه تنها معنای نظم سازمانی و پیشبرد اهداف مشترک نیست، بلکه فضایی نامانوس و بیربط به یک حزب انقلابی و سازمانده و آزاد کمونیستی دارد.

رفقای رهبری!!

بی رنگ کردن "فردیت" با تز و تئوری "خودخواهی"، لطمه های جبران ناپذیری به حزب مان میزند. نمایندگان این تز و تئوری هنوز زنده هستند و سرنوشتشان در انتظارمان خواهد بود. نمونه روشن آن سازمان مجاهدین خلق است. رفقا این هشدار جدی است. ما اعضا و کادرهای حزب کمونیست کارگری در یکی از حساسترین شرایط سیاسی حیاطمان هستیم.

هرگونه کوتاهی و اشتباهی سیاسی میتواند ما و حزبمان را دهها قدم به عقب براند. فراموش نکنید که چشم های تیز جامعه که هر لغزش ما به زلزله ای بر پیکر اش میماند، در فردا روز آزادی، از باریکه و تنگنای انتقاد ما را میگذرانند.

حزب کمونیست کارگری حزب آمل و آرزوهای واقعی هر آزادیخواه و برابری طلبی است. این حزب را باید اصلاح کرد. من هم همچون هر کادر دیگری سرنوشت ام را به سرنوشت حزبمان بسته ام و در هیچ طوفان و کورانی حزبمان را تنها نگذاشته ام و اینبار هم تنها نمیگذارم.

دوباره میسازمت حزبمان. من به فراکسیون کمونیسم کارگری می پیوندم!

سیروان قادری

از کمونیسم کارگری آموختم که فرهنگ انسانی تلاش برای رهائی است. و نقطه رهائی، دریچه ای هر چند کوچک، اما فریاد حق طلبی است. از رفیق منصور حکمت آموختم که سر تعظیم برای هیچ ناحقی فرود نیآورم و فریاد آزادی را، هر چند یک تنه، اما بلندتر بانگ دهم. آموختم که رگ و بی پرده و تند رو باشم، که فریاد یک جهان بی صدا باشم. از سنت کمونیسم کارگری آموختم که احترام به انسانها و حرمت انسانها با هر مرام و عقیده ای رکن سوسیالیسم ام باشد. آموختم که انقلاب ایدئولوژیکی ها را نقد کنم و به جنگ دایره فرمزها و حد و مرزهای اعتقادی بروم. آموختم که از حزبم و دستاوردها و افقهای سیاسی و اجتماعی دفاع و محافظت کنم. اما اتفاق اخیر در حزبم، خصوصا در چند ماه گذشته، عملکردی در تضاد با آموخته هایم به من نشان داد.

فراکسیون کمونیسم کارگری برخلاف مستغفیان و یا انشعاب اخیر در حزب کمونیست کارگری، مهمترین و بی سابقه ترین اتفاق سیاسی این حزب و با ارزشترین رخداد حیات جنبش کمونیسم کارگری است. تریبونی آزاد و بی پرده در درون حزب برای نقد عملکرد رهبری حزب، و شکستن فضای جاری حاکم بر حزب که نامانوس با بنیادهای فکری کمونیسم کارگری است، میباشد.

این فراکسیون از نظر من چندین قدم به جلو است. فراکسیون صدای اعتراض "تختی" از سیاست های معمول حزب و پاسخ به یک نیاز اساسی است. نیازی که در عالم واقعیت معنای گذر از گروه فشار به یک حزب سیاسی انقلابی، سازمانده و رهبر میباشد. بر هر کادر سیاسی و آگاه این حزب پوشیده نیست که خط های احتیاط و خطر در این حزب بوجود آمده،

کانونهای همبستگی با جنبش کارگری...

گفتگو با نسرین رمضانعلی

این مبارزات تبدیل شوند.

یک دنیای بهتر: سوال رهنمودهای عملی شما برای شکل گیری و گسترش این کانونها چیست؟

نسرین رمضانعلی: در حال حاضر نمونه هائی را شاهد هستیم و تلاشهای دارد صورت می گیرد، اما هنوز معنای عملی و سازمانی و علنی به خود نگرفته است. بخصوص در مبارزات دانشجویی و کارگری و زنان قدمهایی برداشته شده است. ولی این همان شکل کار سنتی غیره حرفه ای و راستش با وضعیت موجود ناهمخوان است. اما تشکیل این کانونها در ابتدا باید از سر ضرورت باشد که رهبران عملی و فعالین جنبشهای اجتماعی عمق مسئله را درک کرده باشند و اقدام به تشکیل این کانونها را در دستور خود بگذارند. در مواردی شاهد هستیم فعال یک عرصه برای حمایت از عرصه دیگر از مبارزه خودش را به آب و آتش می زند که قابل تقدیر است. اما همین فعال کمتر تلاش می کند که با فعال کارگری یا فعال دانشجویی و غیره هم نبض شود. تشکیل این کانونها قبل از هر چیز و هر کسی دست فعالین و رهبران عملی را می بوسد. فعالین باید بتوانند در عرصه های مختلف این کانونها را هر چه سریعتر تشکیل بدهند. من اینجا لازم می بینم توضیحی بدهم؛ در ایران وقتی صف نان و نفت و گاز است مردم سران ریز و درشت رژیم را به باد فحش می گیرند. بطور علنی این حکومت و سران آن را نفرین می کنند، علیه سیه روزی که به مردم تحمیل شده اعتراض میکنند. اما وقتی پای حرکت مشترک برای خواست مشترک، مثل دریافت حقوقهای معوقه و لغو قرارداد موقت و استخدام معلم حق التدریسی و دستمزد و شرایط کار پرستاران است، که اساسا خواستها همه هم یکی است، اعتماد میانشان کم است. خیلی مهم است تشکیل این کانونها از رهبران و فعالین این عرصه ها باشد و اتفاقا این اعتماد را میان فعالین ایجاد کرد و به این اعتبار میان جنبشها ایجاد کرد. این کانونها باید از این رهبران و فعالین تشکیل شود که هدفشان متحد کردن مبارزات مختلف و تقویت کل اعتراض اجتماعی علیه جمهوری اسلامی باشد.

بخش از پیکره خود و مبارزه برای آزادی و برابری تقویت و حمایت کند. کانونهای همبستگی در بهترین شرایط برای تشکیل و گسترش و تقویت مبارزات وسیع تر است. فکر می کنم فعالین جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش دفاع از حقوق کودک، جنبشهای دفاع از حقوق مدنی باید به این ضرورت بیش از پیش توجه کنند و هر چه سریعتر مبارزات خود را به هم پیوند دهند. این کانونها در واقع آن حلقه اتصال این جنبشها هست. باید ما با تاکیدات و توضیحات بیشتر تلاش کنیم سریعتر این تشکله را وسیعاً بوجود بیاوریم.

یک دنیای بهتر: این کانونها چه فعالیتهایی را میتوانند در دستور خود قرار دهند؟

نسرین رمضانعلی: اساسا این کانونها باید در جهت تقویت و در جهت حمایت و گسترش مبارزات همدیگر باشد. این کانونها باید در جهت ایجاد صفا محکم در مقابل تعرضات جمهوری اسلامی باشد. این کانونها اساسا باید این حلقه اتصال بین جنبشها باشند برای ایجاد همبستگی، هم نظری، هم دلی، متحد کردن و یک کاسه کردن مبارزات که امروز جاری است. جمهوری اسلامی هر روز طرح و نقشه های تازه تری را برای اجرا تدوین می کند و برای همین نیرو اختصاص می دهد. مبارزات مردم در ایران با وجود چنین کانونهای دقیقا همین کار را باید انجام بدهد. اعتراضات در جامعه ا هر روز دارد ابعاد تازه ای به خود می گیرد. برای مثال همین اعتراضات توده ای معلمین که سراسر کشور را شامل میشود. اگر اهمیت این اعتراضات در متن حرکت عمومی جامعه درست درک شود، آنوقت جا داشت و ضروری بود که سایر بخشهای جامعه پیام همبستگی خود را با این اعتراض و این حرکت که بنظر حرکتی بی سابقه است اعلام میکردند. تاکنون این حرکت آنطور که شایسته است صورت نگرفته است. امیدوارم با تاکیداتی که با فعالین این عرصه داشتیم بزودی شاهد این حمایتها باشیم. اما تشکیل کانونها همبستگی این خلا را پر خواهد کرد و این کانونها میتوانند به حلقه های ارتباطی

روز جمعه گذشته شهر اندیمشک مجددا ناآرام بود!

هیچ حق و حقوق ویژه نیستند. شهروندان مستقل از هر تعلق مذهبی و قومی و ملی باید آزاد و برابر باشند و بعنوان انسان در پیشگاه جامعه و قانون از موقعیت برابر برخوردار باشند.

منصور طیفوری دستگیر شد!

سه شنبه گذشته منصور طیفوری نویسنده و مترجم ساکن شهر سقز توسط نیروهای رژیم اسلامی دستگیر شده است. از محل نگهداری منصور طیفوری تاکنونی خانواده وی خبری ندارند.

جمهوری اسلامی در ماههای گذشته مرتب خبرنگار و نویسنده و فعالین سیاسی را در خیابان دستگیر کرده و بعد از مدتی نگهداری در زندان با وثیقه های سرسام آوار آزاد کرده است. دستگیری مردم به یک روش اخذی نهادهای اطلاعاتی تبدیل شده است. به دستگیری و اذیت و آزار مردم توسط رژیم باید اعتراض کرد. کلیه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

زنده باد آزادی، برابری!

مرکز پیگرد سران رژیم اسلامی

۱۲ مارس ۲۰۰۷ - ۲۰ اسفند ۱۳۸۵

روز جمعه ۱۸ اسفند اندیمشک شاهد تنش و درگیری مردم با رژیم اسلامی بود. رژیم جمهوری اسلامی بار دیگر تلاش کرد مردم را به جان هم بیندازد که با شکست روبرو شد. صبح جمعه ماشینهای شهرداری کلیسای متعلق به بهائیان را در شهر اندیمشک خراب کرد که با اعتراض مردم روبرو شد. بدنبال این اقدام تحریک آمیز رژیم ساعتها بین مردم و نیروهای انتظامی درگیری بود. مردم اعلام می کردند در هر جای جهان مسجدی ویران شود شما دستور "جهاد" می دهید، حالا چرا به مردمی که مذهبی دیگر دارند تعرض می کنید؟ سران رژیمی وقتی تحرک متحد مردم را دیدند سریع دور کل ساختمان را گونی گرفتند و از روز شنبه ۱۹ اسفند مجددا بازسازی این مرکز را شروع کردند.

مردم در سراسر ایران باید در مقابل این اقدامات ارتجاعی و تفرقه افکنانه جمهوری اسلامی هوشیار باشند. حمله به شهروندانی که خود را به مذهب دیگری متعلق میدانند، جزئی از تعرض به شهروندان ایران و جزئی از کارنامه سرکوب رژیم اسلامی علیه مردم است. یک جامعه آزاد شهروندان را بر اساس تعلق به این یا آن مذهب و یا قومیت و ملیت تقسیم نمیکند. اینها هیچکدام مبنای

سران و کاربدستان جمهوری اسلامی باید به جرم جنایت علیه بشریت در دادگاههای منتخب و عادلانه مردم محاکمه شوند!

پروندهای قریب سه دهه جنایت و کشتار مردم بیگناه باید ورق بخورد!

جمهوری سوسیالیستی مجازات اعدام را لغو میکند! ما انتقامجو نیستیم، فلسفه ارتجاعی "چشم در مقابل چشم" نداریم، اما حقایق باید روشن شود!

اهداف مرکز پیگرد سران رژیم:

- ۱- جمع آوری مدارک و اطلاعات لازم از شاکیان و قربانیان رژیم،
- ۲- تدوین لیست سران و مسولین رژیم که باید تحت پیگرد قرار گیرند،
- ۳- تنظیم کیفر خواست شاکیان علیه سران رژیم،
- ۴- ارائه مدارک حقوقی به دادگاهها و برپایی یک تریبونال بین المللی از سایت مرکز پیگرد دیدن کنید:

www.wantedbypeople.com

به این سایت مراجعه کنید
www.WantedByPeople.com
و دادنامه خود علیه رژیم اسلامی را تنظیم کنید



کمپینی برای جمع آوری ده هزار دادنامه!

نامه ها

رضا انصاری عزیز،

سه گزارش جالب شما در باره اجتماعات و راهپیمایی کارگران نساجی سندج در روزهای یکشنبه و دوشنبه و سه شنبه دریافت و وسیعاً توزیع شد. در همین شماره نیز این گزارشات درج شده است. خسته نباشید و دستتان را بگرمی میفشاریم.

پدرام شایان عزیز،

گزارش تحسن دانش آموزان در حمایت از اعتصاب معلمان دریافت و در همین شماره درج شد. خسته نباشید و دستتان را بگرمی میفشاریم.

انجمن جوانان آزادیخواه تهران

رفقای عزیز نامه حمایت و پیوستن شما به فراکسیون دریافت و در همین شماره منتشر شد. خوش آمدید.

رفقا مجید عباسی و محمد مظلوم

نامه پیوستن شما به فراکسیون دریافت و در همین شماره منتشر شد. خوش آمدید.

رفیق سیروان قادری عزیز

نامه پیوستن شما به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری دریافت شد. خوش آمدید.

مازیار از انگلیس

آیا مباحث شما در نشریه نظر فراکسیون است؟

مرسی، مازیار از انگلیس

مازیار عزیز،

سنت ما تاکنون این بوده که روی مقالات و تئوری و نظریات افراد رای نگرفته ایم. ما هیئت تحریریه برای کنترل فرمولبندیهای مقالات نداریم. عبارتی ما تئوری رسمی نداریم. این البته بحثی باز است و باید در مورد ظرائف آن صحبت کرد. مثلاً نقد ما از سرمایه به تئوری مارکس در کاپیتال متکی است. کسی و حزبی کمونیستی تاکنون کاپیتال را به رای نگذاشته است، اما بنوان یک مرجع مهم نقد مارکسیستی همواره مورد رجوع مارکسیستها و کارگران کمونیست بوده است. یک حزب سیاسی را با برنامه، قطعنامه ها،

قرارها و مصوبات آن مورد بررسی قرار میدهند. واضح است که هر سند حزبی روی دوش تئوری و استدلالهای تئوریک و سیاسی معینی استوار است و میتوان توضیح مثلاً فلان سند یا قطعنامه را فلان بحثهای تئوریک ربط داد. اینها مجموعاً پراتیک کمونیستی را توضیح میدهند. نکته دیگر اینست که فرد در سنت کمونیستی خط نمیخورد بلکه یک پراتیک کمونیستی قابل ارزیابی است. ممکن است بحثی مشترک با سایه روشنهای تئوریک و تأکیدیات متفاوت طرح شود اما جوهر انتقادی یکسانی داشته باشد. این ایراد ندارد. ما همواره این درجه انعطاف را داشته ایم. مباحث مندرج در نشریه فراکسیون هم با امضای افراد منتشر میشوند و نظر افراد معین را منعکس میکنند.

رفیق سیاوش خسته نباشید

اخیراً در بحثهای رفقای حزب در مورد فراکسیون بحث ضد لنین، تکرار افکار آلتوسر و مکتب فرانکفورت طرح شده است. من خودم از این بحثها شاخ درآوردم چون تا آنجا که من خواندم هیچ اشتراکی از اینها در شما نمیبینم. میخواهید به اینها پاسخ دهید؟ زنده باشید. نادر.

نادر عزیز،

مکتب فرانکفورت و کلا مارکسیسم دانشگاهی پوسیده تر و منقرض تر از آنست که مارکسیستها و کمونیست های کارگری به صرافت تکرار آنها بیافزینند. یکی از کارهایی که از قبل ایده آن را داشتم و توسط رفیق عزیزی هم توصیه شده بود، بحثی در مورد مارکسیسم دانشگاهی یا به روایت برخی "مارکسیسم غربی" است. سعی میکنم در فرصتی و با توجه به اولویتهای سراغ این موضوع هم بروم. خواهش من از رفقای که بدون استدلال مارک پرت میکنند اینست که زحمت کشیده حرفشان را مستدل کنند. اگر اینکار را نمیکند چرا من دنبال نخود سیاه بروم؟ اینجا و عجالاً چند نکته محوری و ناقص را عنوان میکنم و امیدوارم که مدعیان بتوانند پای حرفشان بایستند و حکمشان را اثبات کنند. در غیر اینصورت من این بحثها را جدی نمیگیرم.

یک ویژگی کلیدی کمونیسم مارکس و منصور حکمت وحدت تئوری و پراتیک است. در مارکسیسم دانشگاهی، که محصول دوران شکست و افول جنبش کارگری و رها شدن آن

زیر دست و پای سوسیال دموکراسی و تریبونونیسیم است، جدائی قطعی تئوری از پراتیک انقلابی فرموله میشود. مارکسیسم پایان فلسفه را اعلام میکند و به سیاست و مبارزه طبقاتی توجه میدهد، مارکسیسم دانشگاهی رجعتی به فلسفه و فلسفه تراپی است. اینها فیلسوفان حرفه ای بودند. مثلاً آلتوسر برای مارکس نیاکان فلسفی پیدا میکند و شجره دیالکتیک مارکس را به اسپینوزا میرساند! تولیدات فکری این نوع مارکسیسم که بیشتر در زمینه مند است یک بیگانگی عمیق با نگرش مارکس دارد. مارکسیسم از نگرش جهانی و آزادی و رهایی انسان شروع میکند و هویت انترناسیونالیستی دارد، در صورتی که مارکسیسم دانشگاهی عمداً تمایلات ناسیونالیستی دارد که بعدها در سنت چپ اروپایی یا یور کمونیسم نهادی میشود. این مارکسیسم به نفی طبقه کارگر و مبارزه طبقاتی میرسد و در پیشگاه دموکراسی نیابتی زانو میزند. در مورد مشخص مکتب فرانکفورت مسئله جالب تر است. اگر به کارهای جمعی عناصر مکتب فرانکفورت توجه کنید پژوهشهایی براساس تزیهای روانکاوای فرویدی را مبینند. کارهای بعدی سران مارکسیسم دانشگاهی عمدتاً روی فرهنگ و هنر و زیباییشناسی متمرکز است. اینها سر سوزنی به فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری و کمونیسم مارکس و منصور حکمت شباهت ندارند.

بحث "ضد لنین" هم همین داستان در شکل کمیک تر آن است. از زاویه چپ سنتی و ناسیونالیست که لنین را بخاطر مشروطه ملی اش تو سر مارکسیستها میزند، بعنوان مثال بحث ملت، ناسیونالیسم و حق تعیین سرنوشت منصور حکمت "ضد لنین" است، چون از مباحث لنین در این قلمرو فراتر رفته است! مثال در این زمینه زیاد است. بحث کمونیسم کارگری در مورد لنین روشنتر از آنست که بشود اینگونه تبلیغات راه انداخت. کسانی که بعد از یک دوره تلاش عمیق کمونیسم کارگری، کلیشه پردازی و الگوسازی را جای تحلیل اجتماعی و طبقاتی و بررسی تجارب تاریخی میگذارند و از این مجرا خود را به لنین متناسب میکنند، تنها از ابتدائیات مارکسیسم فاصله میگیرند.

بحث برسر کمبودهای بلشویسم در انقلاب روسیه و یا بحث ناکافی بودن تئوریهای لنین برای کمونیسم ایندوره ضد لنین نیست، برعکس، چسبیدن به هرچه که لنین در شرایط انقلاب روسیه گفته و بلند کردن پرچم آن امروز، یک نوع مکتب سازی از

مارکسیسم و تنزل مکان مهم لنین در انقلاب اکبر است. انقلاب روسیه میتوانست پیروز شود، میتوانست پیشرویهایی بیشتری داشته باشد، اگر نگرش انقلابی و پراتیکی لنین تا به آخر بر حرکت بلشویکها و این انقلاب ناظر میبود. شکست آن محتوم نبود. شکست و پیروزی هیچ انقلاب و تلاش اجتماعی محتوم نیست. تماماً در گرو اینست که چه پراتیکی صورت میگیرد. کسانی که از ته تاریخ و از سر نتیجه یک پراتیک صحت و عدم صحت آن را نتیجه میگیرند، مارکسیست نیستند، پوزیتیویست هستند. مارکسیسم صحت و اثبات خود را در پراتیک نتیجه میگیرد. لنین نشان داد که میشود سرمایه داری را شکست داد و بر اسطوره "انلی و ایدی" بودن آن خط بطلان کشید. این اتفاق صد بار دیگر هم میتواند بیافتد و حتی اگر شکست بخورد یک گرد هم به دامن حقانیت عمل انقلابی و کمونیستی نمیشیند. شما مقابل ارتجاع می ایستید، مقاومت سازمان میدهید، هشدار میدهید، نه میگویند، و حتی اگر پیروزی به معنی اخص هم بدست نیایرید به رشد خودآگاهی و تجارب جنبش و طبقه تان شکل میدهید و حقانیت پراتیک انقلابی و انتقادی تان را اثبات میکنید، نه اینکه چون فلان حرکت نهایتاً شکست خورد پس این تئوری و این تلاش مردود است! این الگو سازی همواره از یکسو به آکادمیسم و از یکسو به اوانتوریسم منجر شده است.

چپ ضد لنین بدوا همین تلاش و همین حرکت انتقادی - پراتیکی را زیر سوال میبرد و به نفی تشکل و تحزب و پراتیک انقلابی میرسد. این قبل از اینکه ضد لنین باشد ضد مارکس و ضد کمونیسم مارکسی است. به هر حال ما ضد لنین نیستیم و متدولوژی لنینی و اراده معطوف به قدرت لنین و جوهر پراتیکی انقلابی لنین که اساساً مارکسیستی است کاملاً برای ما معتبر است. اما اگر کسی این را به معنی قبول چکی تمام مباحث و نظرات لنین در قبل و بعد از انقلاب روسیه فهمیده است، این دیگر مشکل ما نیست. باید مارکسیسم اش را عمیق کند. این بحث مفصلی است و امیدوارم در فرصتی به آن بپردازیم. به هرحال خوشحال میشوم هر رفیقی با استدلالهای محکم و مستند این ادعاها را نشان مردم دهد که مثل شما "شاخ" در نیایرند! من هم با کمال میل وارد این بحث میشوم.

با احترام، سیاوش دانشور

یادداشت سردبیر



سیاوش دانشپور

دست رژیم از

سر فعالین کارگری کوتاه!

جمهوری اسلامی مجددا در بیدارگاه اسلامی اش فعالین اول مه سقز را محاکمه کرد. روز یکشنبه بیستم اسفند ماه، "دادگاه تجدید نظر" و فرمایشی به ریاست قاضی "صادقی" برای فعالین اول مه سقز پشت درهای بسته تشکیل شد. محمود صالحی، جلال حسینی و محسن حکیمی همراه با وکیل خود محمد شریف در شعبه ۷ "دادگاه تجدید نظر" حضور یافتند. پیشتر در مرحله دوم "دادگاه" محمود صالحی به چهار سال زندان و جلال حسینی و محسن حکیمی و برهان دیوارگر هر کدام به دو سال زندان محکوم شدند. به احتمال زیاد رژیم اسلامی تلاش میکند این احکام را پس از این نمایش ضد کارگری به فعالین اول مه سقز اعلام کند.

اول مه سقز و دستگیری فعالین آن به یک موضوع بین المللی تبدیل شد. تلاشهای فراوانی در داخل و خارج صورت گرفت و فشار سازمانهای کارگری جهان باعث شد که جمهوری اسلامی بارها عقب بنشیند. رژیم اسلامی در این جدال از همان ابتدا شکست خورد و هر بار با عقب نشینی و وقت خریدن تلاش کرد مجددا زهر خود را بریزد و این فعالین را با پاپوش دوزی و پرونده سازی محکوم به زندان کند. اما اینبار هم مقتضحانه شکست خواهد خورد. بدنبال دستگیری و سرکوب اول مه سقز، کارگران در اول مه ها و اعتراضات و اعتصابات گسترده ای شرکت کردند. موج همبستگی جهانی کارگری با کارگران ایران، جنبش کارگری ایران را از یک سیر امنیتی نسبتا قابل اتکا برخوردار کرده است. جمهوری اسلامی میدانند که نمیتواند این فعالین را محکوم و زندانی کند و عواقب آن را نبیند. به همین دلیل سه

سال است این پرونده را باز نگذاشته و مترصد فرصت برای انتقام گیری از کارگران و حامیان بین المللی شان است.

هر تعرضی به فعالین کارگری تعرضی به کل طبقه کارگر و کل جنبش آزادیخواهانه باید تلقی شود. باید سرعت کانونهای همبستگی با فعالین کارگری اول مه سقز تشکیل داد و کمپینی عظیم علیه جمهوری اسلامی و بیدارگاه اش سازمان داد. نباید فرصت داد که این احکام اعلام شود. مردم سقز و شهرهای کردستان، فعالین کارگری در کردستان و سراسر ایران، فعالین جنبشهای اعتراضی و برابری طلب، دانشجویان آزادیخواه و سوسیالیست و کمونیست باید جملگی اقدامی را در دستور بگذارند. در هر تجمع و اعتراضی علیه تعدی و تعرض به فعالین کارگری باید فریاد زد. نیروی همبستگی طبقاتی تاکنون بارها رژیم اسلامی را عقب رانده و اینبار هم میتواند و باید عقب براند. دست کثیف رژیم اسلامی از سر فعالین کارگری کوتاه!

اعتصاب معلمان و اول مه

اعتصابات و اجتماعات معلمان در دو هفته اخیر یک نقطه عطف سیاسی مهم در مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای مبتنی به رفاه و آسایش همگان است. شاید برای برخی ناظران سیاسی این اعتراضات بعنوان حرکتی "صنفي" تلقی شود، اما حقیقت اینست که این اعتراضات جلوه ای از قیام جامعه علیه فقر و فلاکتی است که رژیم اسلامی سرمایه داران به اکثریت عظیم مردم ایران تحمیل کرده است. این اعتصابات علیرغم ابعاد و گستردگی بی نظیر آن تنها باید گوشه ای از دریای خروشان تلقی شود که چهره انقلاب کارگری ایران را ترسیم

میکند. در کشورهایی مانند ایران که نفس بقا مردم و نوع لباس پوشیدن با سد دولت و نیروی سرکوب و چماق سرمایه روبرو میشود، هر اعتراضی و با هر مطالبه ای ماهیتا سیاسی است. نقطه قدرت این حرکت اما یکپارچگی و ظرفیتهای رادیکال آنست که با توجه به ناتوانی رژیم اسلامی در پاسخ به خواستهای اساسی معلمان میتواند سرعت به یک جریان فراگیر اعتراض علیه کل حکومت تبدیل شود.

یک اهمیت بسیار تعیین کننده این اعتراضات تأثیری است که بر فضای جامعه و پایان دادن به انتظار و ترس از خطر جنگ و تحریم و فلاکت و عروج جریانهای فرقه ای و ضد جامعه میگذارد. مستقل از اینکه معلمان در اعتراضاتشان چه میگویند، این حرکت گسترده نبض جامعه را تند میکند، علیه سیاستهای جنگی و اتمی و ناسیونالیستی عمل میکند، امید و تحرک را در کل جامعه بالا میبرد و امکان تحرک گسترده و توده ای و رادیکال طبقه کارگر را تسهیل میکند. جمهوری اسلامی نمیتواند و قادر نیست هم مردم را گرسنگی بدهد و هم بطرفشان شلیک کند. وقتی اعتراض مقیاسی چنین وسیع میگیرد تنها راه رژیم تلاش برای "از سر گذراندن" آن است. رژیم اسلامی نه میتواند در مقابل حرکت گسترده جامعه بایستد و نه میتواند نیازهای فوری و معیشتی مردم را برآورده کند. حاد شدن جدال و رودرویی ناگزیر شده است و همین خطوط اصلی حرکت جنبشهای حق طلبانه را ترسیم میکند. امروز تامین معیشت و نان و حداقل نیازها یک سوال بزرگ و یک جنگ روزمره است. کسی که هر روز در جنگ بسر میبرد چیزی برای از دست دادن ندارد. اعتراضات معلمان آینده را ترسیم میکند و پیشروی و اتحاد این مبارزات یک گام اساسی در شکست اختناق و ایجاد یک شکاف عمیق در رژیم اسلامی است. این مبارزات بخش مهمی از جدال طبقاتی در جامعه است. جنبش کمونیسم کارگری باید با قدرت و خوشبینی به استقبال این مبارزات برود و در سازماندهی و پیشروی آن نقش جدی ایفا کند.

اعتصابات معلمان راه را برای جنبش کارگری و تعرضی همه جانبه تسهیل میکند. کارگران کمونیست و رهبران جنبش کارگری باید اهمیت تعیین کننده این اعتصابات را درک کنند و از آن بعنوان سکوی پرش برای ابراز وجود گسترده طبقه کارگر در صحنه سیاست سراسری استفاده کنند.

اول مه امسال با توجه به رویدادهای ماقبل خود تعیین کننده است. از ۱۶ آذر و اعتصابات گسترده کارگری تا جنبش توده ای معلمان و ۸ مارس سرخ و سوسیالیستی، همه بر قرار گرفتن طبقه کارگر در یک پله بالاتر و به این اعتبار پیشروی کل جنبش سرنگونی دلالت میکند.

هر منفذ جامعه در التهاب بسر میبرد و ظرفیت سطح بالای یک انقلاب توده ای و کارگری برای نفی وضع موجود موج میزند. ما در دوره بسیار حساس و تعیین کننده ای قرار گرفته ایم. هر فاکتور و عمل بالائی ها میتواند اوضاع را به سمتی ببرد و کل تلاشها و پیشرویهای تاکتونی را لاقول برای سالها عقب براند. فرصت را باید دریافت و به مسائل بزرگ پاسخهای روشن و بسیج کننده داد. دوره رشد و همه گیر شدن اعتراضات آزادیخواهانه در مقیاس وسیع است. دوره تشکل و برپا کردن انواع سازمانها و نهادهای اعمال قدرت توده ای است. دوره تحزب سیاسی و دخالت در روندهای سیاسی سراسری است. دوره شکستن فضا و ناتوانی اختناق و عقب نشینی قدرت فائده است. همه میدانند که رژیم ناتوان است و رژیم هم میدانند که مردم منجز از آخوند و اسلام و سرمایه داری اند. این وضعیت راه میانبر و خاکستری ندارد. احزاب خاکستری و راه حلهای میانی بیش از پیش مهجور خواهند شد. دوره ابراز وجود رادیکالیسم و کمونیسم کارگری است. دوره بمیدان آمدن طبقه کارگر برای تغییرات اساسی است. تا اول مه خیلی اتفاقات میتواند رخ دهد. اما اول مه امسال باید سکوی عروج طبقه کارگر با پرچم سوسیالیستی اش باشد.*

در چهارشنبه سوری خشت خشت حکومت اسلامی را بلرزانید!

جوانان، مردم!

علیه حکومت عزا بپاخیزید! شادی کنید، برقصید و به استقبال سال نو بروید! در مراسمهای چهارشنبه سوری دیوارهای آپارتاید اسلامی را ویران کنید! حجاب پرچم و لوگوی آپارتاید جنسی و جنبش اسلام سیاسی است. این پرچم را به آتش بکشید! حجاب سوزان راه بیاندازید! فریاد بزنید مردم ایران جنگ نمیخواهند! تحریم اقتصادی نمیخواهند! بمب اتمی نمیخواهند! فقر و محرومیت نمیخواهند!

زنده باد آزادی، برابری، رفاه و خوشبختی برای همگان!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

ستون آخر



منصور حکمت

همسویی با کدام طرف؟
ایران یا آمریکا؟*

امکان اعمال منگنه اقتصادی و یا عمل نظامی علیه جمهوری اسلامی از جانب آمریکا، مشغله ها، عواطف و الفاظ کهنه ای را دوباره در اپوزیسیون بورژوازی باب کرده است. برای برخی این حکم سرنگونی قریب الوقوع رژیم محسوب میشود. سوال قدیمی "همسویی با کدام طرف" باز در کریدورهای سازمانهای چپ سابق و دمکراسی طلب امروز پژواک پیدا میکند. مستقل از تفاوت در تلقیات و انتخاب "همسویی" هاشان در این بخت آزمایی جدید، مفروضات مشترکی ذهن اکثر اینها را شکل داده است. اگر بناست حقیقتی روشن شود باید این مفروضات را شکست. برخلاف تصور اکثر این جریانها:

آمریکا و غرب قصد سرنگونی رژیم را ندارند. بیشک نقض حقوق بشر و جنایات رژیم علیه مردم، دغدغه آمریکا نیست. اما مساله بر سر تروریسم رژیم اسلامی و یا خطر دستیابی آن به سلاح هسته ای هم نیست. جمهوری اسلامی و هیولای "بنیادگرایی اسلامی" به دلایل کاملاً قابل درک فعلاً کاندید بعدی پست امپراطوری شر و آنتی تز مدنیت غربی است که با سقوط شوروی خالی مانده. ثبات سیاسی و اجتناب از اصطکاک نظامی در غرب و

جهان صنعتی، علیرغم جنگ اوج گیرنده تجاری، و وجود فرجه ای برای رهبری آمریکا بعنوان ابر قدرت نظامی چنین دشمن استرژیک را ایجاب میکند. آنچه امروز در دستور غرب است، علم کردن جمهوری اسلامی در این ظرفیت جدید است و نه سرنگون کردن آن. همان دستهایی که قرار است جمهوری اسلامی را بکوبند، زیر بغلش را هم گرفته اند که زمین نخورد.

فشار غرب، بویژه اگر به عرصه نظامی کشیده شود، اتفاقاً بر عمر رژیم میافزاید. چنین ضربه ای در درجه اول دست رژیم را در مرعوب کردن کارگران و زحمتکشان ناراضی باز میکند و آنها را از عرصه دخالت سیاسی دور میسازد. هیات حاکمه حول یک پلاتفرم فوق راست و فالانژستی منسجم میشود. اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی در شرایطی که بن بست اقتصادی و فلج سیاسی رژیم دورنمای عمل ثمربخش توده مردم را محتمل تر کرده است، یک مانده آسمانی برای رژیم منحوس اسلامی خواهد بود.

ما برای سرنگونی رژیم اسلامی و علیه برقراری نظم نوین ارتجاعی در سطح جهانی هر دو مبارزه میکنیم. برای کمونیسم کارگری تنها یک "همسویی" ممکن است و آن با منفعت انقلاب کارگری و امر آزادی است.

* اولین بار در مرداد ۱۳۷۲، اوت ۱۹۹۳، در شماره ۷ انترناسیونال منتشر شد.

تلویزیون "برای یک دنیای بهتر"

از این پس هر هفته روزهای:

* چهارشنبه ساعت ۱۲:۳۰ شب

* پنجشنبه ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر و ۱۲:۳۰ شب

* یکشنبه ساعت ۱۱:۳۰ صبح بوقت تهران

در تلویزیون کانال یک

برای یک دنیای بهتر یک برنامه سیاسی است. بیطرف نیست. جانبدار است. مدافع حقیقت، آزادی، برابری، شادی، رفاه و سعادت انسانها است. ما برای یک جمهوری سوسیالیستی مبارزه میکنیم.

لطفاً روز و زمان پخش این برنامه ها را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خودتان برسانید.

با نشریه برای یک دنیای بهتر همکاری کنید.

اخبار و گزارشات و نظراتتان را برای ما بفرستید. پخش نشریه و رساندن آن به دست دوستانتان را فراموش نکنید. با نشریه مکاتبه کنید.

siavash_@yahoo.com Tel. +46 707 65 63 62

سایت و وبلاگ فراکسیون اتحاد کمونیسم کارگری

www.for-abetterworld.com

http://for-abetterworld.blogfa.com

جامعه کمونیستی یک آرزو و یک مدینه فاضله خیالی نیست. تمام شرایط پیدایش چنین نظامی، در دل همین جهان موجود سرمایه داری فی الحال فراهم شده اند. توان علمی، تکنولوژیکی و تولیدی انسان امروز چنان ابعاد عظیمی پیدا کرده است که پی ریختن جامعه ای معطوف به رفع نیازها و تامین آسایش همگان کاملاً مقدور است. انقلابات الکترونیکی و انفورماتیک دهه های اخیر و تحولات شگرف در ابزارها و روش های ارتباطاتی و اطلاعاتی سمعی و بصری، سازمان دادن یک جامعه جهانی و شرکت همگانی در طراحی و برنامه ریزی و اجرای امور گوناگون جامعه را پیش از پیش میسر ساخته است. بخش عظیمی از این توان تولیدی هم اکنون یا به اشکال مختلف به هدر داده میشود و یا عامدانه مصروف ممانعت از بکار بستن این امکانات در خدمت رفع نیازهای بشر میشود. اما علیرغم همه عظمت امکانات مادی جامعه، پشتوانه اساسی جامعه کمونیستی را نیروی خلاقه و زنده میلیاردها انسانی تشکیل میدهند که از خود اسارت طبقاتی، از بردگی مزدی، از اسارت مغفوی و از خود بیگانگی و از حقارتی که نظام موجود به آنها تحمیل میکند رها میشوند. انسان آزاد، ضامن تحقق جامعه کمونیستی است.

از یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!